

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ ■
■
■

خط مقدم...
اینجاست



فصلت

مقاله نخست ۵

جایگاه سرزمین فلسطین، شهر قدس و مسجد الاقصی در ادیان توحیدی

مقاله دوم ۲۲

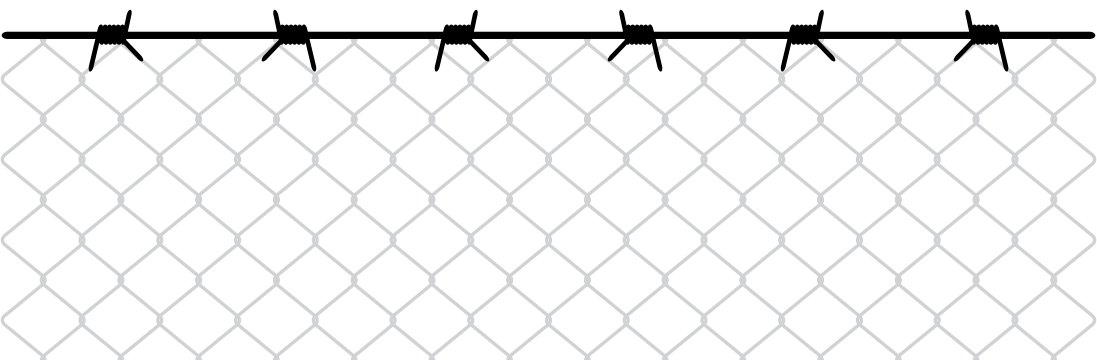
چرایی حمایت جمهوری اسلامی ایران از آرمان فلسطین و پاسخ به شبهات مطرح

چند سوال مطرح ۳۵

پاسخ به چند سوال مطرح درباره یهود، صهیونیسم و فلسطین

ارزیابی مهم ۵۵

ارزیابی مهمترین دستاوردهای نامگذاری روز جهانی قدس توسط
امام خمینی(ره)



مقاله نخست

جایگاه سرزمین فلسطین، شهر قدس و مسجد الاقصی در ادیان توحیدی

قداست فلسطین در آیات قرآن

«قدس»، «بیت المقدس» یا «سرزمین مبارک» نام سرزمینی است که از سوی خداوند تبرک و قداست یافته است، هرچند که همه مناطق زمین به جهت آیه و نشانه الهی بودن از جایگاهی بلند و رفیع برخوردار و از قداست و برکت بهره‌مند است، ولی سرزمین فلسطین تنها سرزمینی است که در قرآن از آن تحت عنوان «سرزمین مقدس» یاد شده است.

البته گاه سرزمین‌های دیگری نیز از سوی خداوند به «مبارک» بودن توصیف شده‌اند، چنان که سوره آل عمران درباره سرزمین مکه که خانه خدا در آن قرار دارد می‌فرماید: «نخستین خانه‌ای که برای مردم بنا شد، در مکه مبارک است که مرکز هدایت جهانیان به شمار می‌آید.» اما تمام آیات قرآنی که به نحوی به سرزمین فلسطین ارتباط دارند، از دو وصف «قداست» و «مبارک» سخن می‌گویند، به این معنا که این سرزمین افزون بر ویژگی مبارک بودن، سرزمینی مقدس است.

بنابراین باید گفت «قداست» ویژگی انحصاری سرزمین فلسطین است و این قداست اختصاص به شهر قدس و بیت المقدس ندارد، بلکه آیات قرآن به بخش‌های دیگری از سرزمین فلسطین این صفت را داده‌اند و در این میان می‌توان به آیاتی از سوره طه اشاره کرد که می‌فرماید: «پس زمانی که موسی به سرزمین مقدس درآمد، از سوی خدا موسی خوانده شد که من خود پروردگار توام، پس کفش هایت را بر کن، زیرا تو در سرزمین و وادی مقدس طور

هستی.» این آیه به صراحت سرزمین و وادی طور را سرزمینی مقدس معرفی کرده و به دلیل همین قداست از موسی (ع) خواسته شده تا کفش هایش را به احترام و قداست این سرزمین از پای خویش درآورد. در سوره قصص نیز فلسطین سرزمینی مبارک معرفی شده است. به این ترتیب از آیات قرآن چنین برداشت می‌شود که سرزمین فلسطین سرزمین مقدسی است و این تقدس و قداست اختصاص به شهر بیت‌المقدس یا وادی طور در سرزمین سینا ندارد. غیر از آن در سوره‌های اعراف، یونس و اسرا نیز از سرزمین فلسطین و شرق و غرب آن به عنوان سرزمینی مبارک یاد شده که زمانی بنی اسرائیل از آن بهره‌مند شدند تا خداوند نعمت وعده داده شده خویش بر آنان را به بهترین وجه به کمال برساند.

در حقیقت حکومت فلسطین و مناطق پیرامون آن، به این دلیل به بنی اسرائیل داده شد که خداوند از سوی موسی به آنان وعده داده بود تا آن حضرت (ع) را در جنگ با فرعون یاری داده و همراه او باشند. اینگونه بود که خداوند به وعده خویش عمل کرد و آنان را وارث آن سرزمین مقدس و مبارک گرداند. اما این به این معنا نیست که اولین ساکنان این سرزمین مقدس بنی اسرائیل بوده است، چون اگر به قرآن مراجعه کنیم، در می‌یابیم که این سرزمین در زمان حضرت ابراهیم (ع) سرزمینی مبارک و مسکن آن حضرت بوده است، برای مثال خداوند در سوره انبیا درباره مهاجرت حضرت ابراهیم از سرزمین بابل پس از آتش سوزی مشهور و رهایی از آن می‌فرماید: «ما ابراهیم را به همراه لوط از دست دشمنان کافرش نجات داده و به سرزمینی بردیم که آن را برای جهانیان مبارک گردانیدیم.»

نکته مهم در این آیه آن است که این سرزمین را که حضرت ابراهیم و یارانش را به آن جا کوچانده و از بدی دشمنانش رهایی بخشیده، سرزمینی مبارک برای جهانیان شمرده شده است، به همین دلیل می‌توان گفت، این سرزمین از آن قوم و قبیله و یا دینی خاصی نیست و همه انسان‌ها بلکه جهانیان از آن سود برده و از برکات آن استفاده می‌کنند.

برخی از مفسران، اینکه شریعت‌های آسمانی و قوانین الهی در این سرزمین بر جهانیان نازل شده است، را علت اصلی مبارک بودن این سرزمین دانسته‌اند، چون همه ادیان توحیدی الهی از این سرزمین به دیگر مناطق جهان گسترش یافته‌اند.

در تورات، این سرزمین مبارک که حضرت ابراهیم به آنجا کوچ کرده، سرزمین کنعان نامیده شده و مرز آن را از فرات تا نیل دانسته است. این درحالی است

که آیات قرآن نیز گستره بیشتری از فلسطین امروزی را به عنوان سرزمین مبارک می‌دانند که شامل شامات یعنی فلسطین، اردن، سوریه و لبنان می‌شود. صرف نظر از مبارک بودن، سرزمین فلسطین به نام‌های نیک دیگری نیز ستایش شده است، به عنوان مثال در سوره یونس از این سرزمین به نام جایگاه صدق و راستی و در سوره مومنون از آن به سرزمین بلند و والا مقامی که از امنیت و آب فراوان بهره مند است یاد شده است.

ارزش و جایگاه قدس

بیت المقدس یا قدس یا اورشلیم به اعتقاد همه مفسران همان قریه و آبادی است که بنی اسرائیل پس از رهایی از ستم فرعون و درخواست بهره‌مندی از نعمت‌های زمینی دنیا از جانب خدا مامور شدند تا وارد آن شوند. این سرزمین، سرزمین آباد و پر برکتی بوده است که در سوره بقره به آن اشاره شده است. خداوند بدلیل همین وفور نعمت از آن به عنوان سرزمینی مبارک یاد می‌کند و این واژه تنها اختصاص به نعمت‌های مادی ندارد، بلکه برکات معنوی را نیز شامل می‌شود و این نکته‌ایست که در سوره اسرا به آن اشاره شده است. بنابراین این قداست و مبارک بودن به دو دلیل مادی و معنوی است و البته باید علت معنوی را بر علت دیگری ترجیح داد، زیرا رسالت پیامبران و دعوت مردمان به توحید که از این سرزمین آغاز شده است، اصل اساسی در تبرک سرزمین است.

به هر حال تمام منابع اسلامی و یهودی قداست را مخصوص قدس یا بیت المقدس نمی‌دانند، بلکه آن را شامل همه فلسطین دانسته‌اند، اگرچه اختلاف نظرهایی در تعیین حدود سرزمین مقدس وجود دارد، برای مثال محدوده این سرزمین مقدس بر پایه باورهای یهودی متغیر است و این تغییر به دوره‌های گوناگونی بازمی‌گردد که یهودیان بر مناطقی از این سرزمین چیره و مسلط بودند یا حاکمیت خود را بر آن از دست می‌دادند. از این رو معیار قداست فلسطین نزد یهود به وجود دولت یهودی و چیرگی آنان ارتباط پیدا می‌کند که همواره در دوره‌های مختلف متغیر بوده است.

آثار و بناهای دینی بسیاری در این سرزمین برای هر یک از پیروان این سه دین آسمانی وجود دارد که می‌توان به مسجدالاقصی برای مسلمانان، دیوار ندبه برای یهودیان و کلیسای قیامت برای مسیحیان یاد کرد.

همان‌گونه که گفته شد، قداست سرزمین فلسطین مختص شهر قدس نیست، بلکه سراسر سرزمین فلسطین از چنین قداستی برخوردار است، این موضوعی

است که روایات نیز آن را تایید می‌کند، برای مثال روایاتی وجود دارد که از قداست شهر الخلیل به عنوان مکان کوچ و هجرت حضرت ابراهیم(ع) و نیز محل دفن آن حضرت سخن می‌گوید.

اما در میان مفسران و مورخان اسلامی درباره محدود قداست سرزمین فلسطین سه دیدگاه وجود دارد، به عبارتی برخی این قداست را سرتاسر سرزمین شام، برخی دیگر از مصر تا فرات و شماری دیگر بخش‌هایی از شام یعنی سرزمین فلسطین دانسته‌اند.

با وجود تمام این اختلاف دیدگاه‌ها گفت سرزمین فلسطین است که شامل صحرای سینا و سرزمین فلسطین کنونی و بخشی از اردن و لبنان و سوریه است، سرزمین مقدس به شمار می‌آید.

وجود مسجدالاقصی

از ویژگی‌های برجسته بیت المقدس وجود مسجد الاقصی در این سرزمین است و این نکته‌ای است که در سوره اسرا به روشنی به آن اشاره شده است. اما نکته مهم اینجاست که قرآن زمانی از مسجد الاقصی سخن می‌گوید که هنوز این مسجد به تصرف مسلمانان درنیامده بود و رومیان بر آن حکومت می‌کردند و به ظاهر معبدی برای یهودیان و مسیحیان بوده است.

در قرآن از این مسجد به اسم «مسجد الاقصی» یاد شده است که تعبیری هم‌سنگ «مسجد الحرام» است. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که قرآن این دو مسجد را هم‌سنگ یک‌دیگر قرار می‌دهد و از آن به نام معبد و کلیسا و یا کنیسه یاد نمی‌کند که این خود نشان دهنده آن است که وقتی آیه مربوط به مسجد الاقصی نازل شده است، دستکم مومنان از آن به نام مسجد از آن یاد می‌کردند. این مسئله از آن جا تقویت می‌شود که مسجد الاقصی در زمان‌های نخست بیعت تا زمانی که در مدینه تغییر قبله انجام می‌گیرد، به عنوان قبله و مسجد در نظر مسلمانان از جایگاه خاص برخوردار بوده است. این در حالی است که سوره بقره قبله بودن مسجد الاقصی را مورد تأکید قرار می‌دهد و می‌فرماید که اکنون به فرمان الهی از آن عدول کرده و می‌بایست مسجد الحرام قبله مسلمانان باشد. همچنین در سوره اسرا از نام مسجد الاقصی و مسجد الحرام استفاده و به قبله بودن این دو مسجد و قداست و جایگاه خاص آنها اشاره شده است که محل سیر و معراج پیامبر اکرم(ص) نیز بوده است. در همین سوره به این نکته نیز اشاره شده که برکت سرزمین پیرامونی مسجد الاقصی به خاطر وجود این مسجد و قبله‌گاه بودن آن است. در حقیقت وجود مسجد الاقصی که قبله

نخستین مسلمانان بوده خود عاملی برای برکت و فراوانی روزی مادی و معنوی این سرزمین است.

این مسجد از زمان‌های گذشته مورد احترام یهودیان و مسیحیان بوده است، ولی یهودیان که خود را تنها دین برحق الهی می‌دانستند با مسیحیان با خشونت برخورد می‌کردند و نمی‌گذاشتند که آنان از این مسجد برای مراسم عبادی خویش استفاده کنند.

قرآن درباره رفتار یهودیان نسبت به مسجد الاقصی و اهل آن و تخریب آن و نیز منع کردن مسیحیان از بهره‌گیری از آن مسجد مقدس می‌فرماید: چه کسی ستمگرتر از کسانی است که مردمان را از مساجد خدا باز می‌داشتند تا در آن مساجد یاد خدا نشود و می‌کوشیدند تا آن مساجد رو به ویرانی رود و خراب شود.

در این آیه منظور از مساجد، مسجد الاقصی است که یهودیان نه تنها خود در آبادی آن نمی‌کوشیدند، بلکه در گزارش‌هایی که تاریخ نیز آن را تایید می‌کند با جلوگیری از بهره‌گیری دیگران از آن کاری کردند تا رو به ویرانی بگذارد و زمانی که پیامبر (ص) برای معراج به آنجا رفت، آن را ویرانه‌ای یافت که بعدها پس از فتح اسلامی ساخته و بازسازی شد و این نکته‌ایست که در مجمع البیان ج ۱ و ۲ ص ۳۶۱ به آن اشاره شده است.

به هر حال در قرآن به این نکته اشاره شده که مسجد الاقصی مکانی مقدس برای یهودیان و مسیحیان و مسلمانان بوده است. این سخن از آن جا تایید می‌شود که یهودیان و مسیحیان هر دو این مکان را همانند مسلمانان اولین قبله خود می‌دانستند و به آن طرف نماز می‌خواندند و دعا می‌کردند، چنان که به این مسئله در آیات مربوط به تغییر قبله برای مسلمانان اشاره شده است.

از امیر مؤمنان علی (ع) روایت شده است که بیت المقدس و مسجد الاقصی یکی از چهار مکان مقدس دنیاست که عبارتند از مسجد الحرام، مسجد الاقصی و بیت المقدس، مسجد نبی و مسجد کوفه.

حرم شریف قدس در شهر بیت المقدس واقع شده و دارای اماکن مقدس بسیاری است. «حرم شریف این مکان مقدس شامل مسجد الاقصی، قبه الصخره با گنبد طلایی، صحنها و ساختمانهای پیرامون آن است که در مجموع به مساحت ۱۴ هکتار بر فراز کوه موريا قرار دارد و ۱۴ دروازه از جمله درهای اسباط، حطه، شرف الانبیا، ناظر، نو، قطانین، مطهره، سلسله، مغربیان، مغاربه، داوود، حدید، غوانمه و دروازه طلایی و همچنین اتاق‌های متعدد، ۸ چاه در صحن قبه الصخره و ۱۷ چاه در حیاط مسجد الاقصی و در مجموع ۴ گلدسته را

شامل می‌شود. یک گلدسته بر بالای دروازه مغاربه (جنوب غربی)، گلدسته ای بر دروازه سلسله (جنوب غربی)، گلدسته بر بالای دروازه غوائمه (شمال غربی) و دیگری بر بالای اسباط (شمال) قرار دارد.»

مسجد الاقصی - حرم شریف - نامی اسلامی است که خداوند بلند مرتبه بر این مکان قرار داد، در آیه اول سوره اسراء به وضوح از آن یاد کرده است. اسم الاقصی یعنی دورتر یعنی مسجدی که دورتر است که در مقایسه با مساجد مسجد الحرام و مسجد النبی در مکه و مدینه دور تر بوده است. ارتباط و پیوند قداست مسجد الاقصی به عقاید و باورهای مسلمانان به دورانی باز می‌گردد که ۱۷ ماه به عنوان اولین قبله مسلمانان به شمار می‌رفت تا زمانی که قبله به کعبه خانه خدا انتقال یافت. اسلامیت مسجد الاقصی به حادثه اسراء و معراج باز می‌گردد که در آیاتی از قرآن کریم بیان شده است که خداوند، شبانه پیامبر اکرم را به سوی مسجد الاقصی در بیت المقدس در ۲۷ رجب - یکسال قبل از هجرت - فرا خواند تا از این مکان به آسمان عروج کند.

مسجد الاقصی

مسجد الاقصی، اغلب با مسجد صخره (قبه الصخره) اشتباه گرفته میشود. اما این دو کاملاً متمایز از یکدیگرند. پس از فتح بیت المقدس در سال ۱۵ هجری قمری خلیفه دوم در محل این مسجد نماز گزارد. مسلمانان در سال ۱۸ هجری قمری مسجدی را در این محل با تیر چوبی و الوار ساختند. در دهه ۸۰ هجری بنای نوین آن شروع و در سال ۹۰ هجری (۷۰۸ م) به پایان رسید. این مسجد بارها مورد تعرض غیر مسلمانان قرار گرفته است، اما هر بار آسیب‌ها به نوعی ترمیم شده است.

یهودیان صهیونیست مدعیانند که این مسجد بر فراز خرابه‌های معبد سلیمان که از آن به عنوان هیکل سلیمان یاد میکنند، ساخته شده است. به همین بهانه گروه‌های مختلفی با حمایت رژیم صهیونیستی برای تخریب این مسجد و ساخت بنای معبد سلیمان تشکیل شده است. صهیونیستها به بهانه یافتن خرابه‌های این معبد موهوم اقدام به حفر تونلهایی در زیر مسجد الاقصی کرده‌اند که پایه‌های این بنای مقدس را سست ساخته است. اما همه کاوشهای آنها بی نتیجه مانده است و نشان‌های یافته شده به اعتراف خود صهیونیستها، حاکی از موهوم بودن این ادعاست، بلکه تأییدی بر حقانیت دعاوی مسلمین و فلسطینیان بر این مکان مقدس است.

مسجد صخره (قبه الصخره)

این مسجد در گرامیداشت معراج پیامبر بنا شد. بنای آن در سال ۶۷ هجری قمری آغاز و در سال ۷۱ هجری قمری تکمیل شد. این مسجد متشکل از قاعده‌های هشت وجهی است که دو راهروی مرکز هشت وجهی را در بر گرفته است. آنها نیز به نوبه خود جایگاه مرکزی دایره‌های شکل، حاوی صخره را احاطه کرده‌اند.

این همان صخره‌های است که پیامبر اکرم (ص) در شب معراج پس از آنکه با براق به مسجدالاقصی - حرم شریف - آمدند، از فراز آن به آسمان رفت. این صخره از شب معراج میان زمین و آسمان (تقریباً به ارتفاع قامت یک انسان) معلق بود. بعدها به بهانه احتمال سقوط آن بر روی زائران، زیر آن را پر کردند. در بالای قاعده هشتوجهی و بلافاصله در بالای دایره‌های که صخره را احاطه کرده است قبهای دولایه، با قطر ۱۸ تا ۲۰ متر و ارتفاع تقریبی ۲۳ متر است. گنبد طلایی این بنا به طرز جالب توجهی بر کل ساختمان احاطه دارد و بر دیوارهای درونی قاعده هشتوجهی و دیوارهای بیرونی، آیات قرآن کریم، نقش بسته است که مجموعاً ۲۱۰ متر از فضای آنها را در بر گرفته است.

راهنمای نقشه حرم شریف قدس

۱. مسجدالاقصی (هر آنچه داخل حصار است) ۲. مصلای مروانی (سطح هموار شرقی) ۳. مصلای شرقی ۴. مصلای مسقفالاقصی ۵. دارالخطابه ۶. مسجدزنان ۷. موزه اسلامی ۸. دیوار براق ۹. محله مغربی‌ها (توسط یهودیان ویران شد) ۱۰. باب السلسله (دروازه) ۱۱. گنبد نحوی ۱۲. وضوخانه ۱۳. منبر برهان‌الدین ۱۴. مقبره الرحمه ۱۵. باب التوبه (دروازه) ۱۶. گنبد سلسله ۱۷. مسجد قبه الصخره ۱۸. دروازه وضوخانه ۱۹. باب الحديد (دروازه) ۲۰. باب الغوانمه (دروازه) ۲۱. گنبد ۲۲. سقاخانه سلیمان ۲۳. باب حطه (دروازه) ۲۴. مناره باب الاسباط ۲۵. باب الاسباط (دروازه) ۲۶. کاخ‌های اموی

جغرافیای شهر قدس

شهر قدس بر روی سلسله تپه‌هایی که از غرب به شرق امتداد یافته و بین ۷۲۰ الی ۸۳۰ متر بالاتر از سطح دریا قرار گرفته‌اند، واقع شده است. شهر قدس ۵۴ کیلومتر با دریای مدیترانه و ۲۵۰ کیلومتر با دریای سرخ فاصله دارد. چندین جاده بسیار مهم قدس را به شهرهای بزرگ فلسطین و برخی از پایتخت‌های کشورهای عربی متصل می‌کند. این شهر ۱۵۰ کیلومتر با عکا،

۶۵ کیلومتر با نابلس، ۳۶ کیلومتر با الخلیل، ۶۲ کیلومتر با یافا و ۹۴ کیلومتر با غزه فاصله دارد. همچنین جاده‌ای به طول ۸۸ کیلومتر این شهر را به عمان، ۲۹۰ کیلومتر به دمشق، ۵۲۸ کیلومتر به قاهره و ۸۶۵ کیلومتری به بغداد متصل می‌سازد.

قدس در طول تاریخ

قدمت شهر قدس به بیش از پنج هزار سال پیش باز می‌گردد و بدین ترتیب یکی از قدیمی‌ترین شهرهای جهان محسوب می‌شود. نام‌های مختلفی که بر این شهر اطلاق گردید به تاریخ کهن این شهر گواهی می‌دهد. کنعانی‌ها که در هزاره سوم پیش از میلاد به این منطقه آمدند نام آن را «اورسالییم» نهادند که به معنای شهر صلح یا شهر الهه «سالییم» است. واژه اورشلییم که در عبری «یروشالییم» خوانده شده و به بیت‌المقدس اطلاق شده است از ریشه‌ی همین واژه گرفته شده است. در تورات ۶۸۰ بار این واژه تکرار شده است. در عصر یونانیان هم این شهر مقدس به «ایلیا» شهرت یافت که به معنای خانه خداست.

دوره یهودیان

در تاریخ پنج هزارساله قدس، یهودیان تنها ۷۳ سال بر این شهر حکومت کردند. حضرت داوود(ع) بین سالهای ۹۷۷ یا ۱۰۰۰ قبل از میلاد این شهر را به تصرف خود درآورد و بر آن نام «شهر داوود» نهاد. آن حضرت قصرها و قلعه‌های مختلفی در این شهر بنا کرد. پادشاهی حضرت داوود ۴۰ سال به طول انجامید. پس از وی پسرش حضرت سلیمان(ع) مدت ۳۳ سال بر این شهر حکمرانی کرد. پس از رحلت حضرت سلیمان در عهد فرزندش «رحبعام» قلمرو حضرت سلیمان به چند تکه تقسیم شد و این شهر بار دیگر «اورشلییم» نام گرفت.

عصر بابلی‌ها

«بخت‌النصر دوم» شهر قدس را پس از شکست دادن پادشاهان یهود به تصرف خود درآورد. وی پس از فتح قدس یهودیان و پادشاه آنان (صدقیا) را به اسارت در آورده و به شهر بابل برد.

دوره پارسیان

در سال ۵۳۸ قبل از میلاد «کورش» پادشاه هخامنشی پس از برانداختن حکومت ماد و فتح بابل به یهودیان اجازه داد تا از بابل به قدس بازگردند.

دوره یونانی

اسکندر (مقدونی) فلسطین را در سال ۳۳۳ قبل از میلاد به تصرف خود درآورد. پس از مرگ وی سلسله مقدونی حاکمیت خود را در این شهر ادامه داد. در سال ۳۲۳ قبل از میلاد هم «بطلمیوس» به این شهر حمله کرد و آن را به همراه بقیه خاک فلسطین به سرزمین مصر ملحق کرد.

دوره رومیان

«نومیبیجی یمپ» فرماندهی ارتش روم در سال ۶۳ قبل از میلاد قدس را به تصرف خود درآورد و آن را به امپراطوری روم ملحق نمود. در این مدت شهر قدس شاهد حوادث و رویدادهای مختلفی بود. شورش یهودیان بین سالهای ۶۶ تا ۷۰ میلادی در قدس از جمله حوادث آن دوره بود که به شدت توسط رومی‌ها سرکوب گردید و در این شورش شهر به آتش کشیده شد و حاکم روم بسیاری از یهودیان را به اسارت گرفت تا وضعیت شهر بار دیگر تحت اشغال رومی‌ها به شکل سابق خود باز گردد. پس از آن دو بار دیگر یهودیان دست به شورش زدند و موفق شدند شهر را به تصرف خود درآورند اما «آدریان» امپراطور روم به شدت و قساوت با آنان برخورد کرد. او برای بار دوم شهر قدس را ویران و یهودیان را از آنجا اخراج کرده و تنها به مسیحیان اجازه اقامت در شهر را داد. پس از آن نام شهر را به «ایلیا» تغییر و دستور داد تا هیچ یهودی در شهر سکونت نداشته باشد. «کنستانتین اول» امپراطور روم پایتخت خود را به قدس منتقل کرد و مسیحیت را به عنوان دین رسمی کشور تعیین نمود. این حادثه نقطه عطفی در تاریخ قدس به شمار می‌رود. زیرا کلیسای «قیامت» در قدس ساخته شد.

معراج حضرت رسول (ص)

در سال ۶۲۱ میلادی شهر قدس شاهد حضور پیامبر (ص) بود، در این سال خداوند آن حضرت را از مسجدالحرام به مسجدالاقصی منتقل و از آنجا نیز به معراج برد. دوره اول اسلامی: عمر بن الخطاب در سال ۶۳۶ (۱۵ هجری) - در روایت دیگر سال ۶۳۸ میلادی - شهر قدس را فتح کرد. در آن سال ارتش اسلام به فرماندهی «ابوعبیده عمر بن جراح» وارد بیت المقدس شد. اسقف «سفرونیوس» درخواست نمود که عمر خود شهر قدس را تصرف کند، از این رو بود که سند اعطای آزادی دینی در مقابل اعطای جزیه بین او و عمر به امضا رسید و این دوره به (عهد عمری)

شهرت یافت. براساس مفاد این قرارداد نام شهر از ایلیا به قدس بازگردانده شد و همچنین به درخواست مسیحیان سکونت یهودیان در شهر قدس ممنوع شد. از آن تاریخ شهر مقدس قدس شکل اسلامی به خود گرفت، تا آنکه در دوره‌ی امویان (۶۶۱- ۷۵۰ م) و دوره عباسیان (۷۵۰- ۸۷۸ م) این شهر در ابعاد مختلف شاهد شکوفایی گسترده‌ای شده بود. از مهمترین آثار اسلامی ساخته شده در این دوره مسجد «قبه‌الصخره» است که «عبدالملک بن مروان» آن را بین سالهای ۶۸۲ تا ۶۹۱ میلادی بنا نهاد و در سال ۷۰۹ میلادی نیز «مسجدالاقصی» ساخته شده است. شهر قدس در این دوره شاهد ناآرامی و جنگ‌های نظامی متعدد بود که بین عباسیان و فاطمیان و نیز قرامطه روی داده بود. تا اینکه سرانجام در سال ۱۰۷۱ میلادی بیت‌المقدس به دست سلجوقیان افتاد.

جنگ‌های صلیبی

قدس در سال ۱۰۹۹ به دست صلیبیان تصرف شد، این رویداد پس از ۵۰۰ سال حکومت اسلامی و بر اثر جنگ‌های بوجود آمده بین سلجوقیان و فاطمیان از یکسو و نزاع‌ها و اختلافات داخلی سلجوقیان از سوی دیگر به وقوع پیوست. صلیبی‌ها به محض ورود به قدس حدود ۷۰ هزار مسلمان را به شهادت رساندند و از هتک حرمت تمامی مقدسات اسلامی دریغ نکردند. از آن تاریخ یک دولت مسیحی در قدس روی کار آمد که توسط یک پادشاه کاتولیک اداره می‌شد و تمامی قوانین نیز براساس مذهب کاتولیکی تدوین گردید. این مسئله باعث برانگیخته شدن خشم ارتودکس‌ها شد.

دوره‌ی دوم اسلامی

در این دوره «صلاح‌الدین ایوبی» موفق شد در سال ۱۱۸۷ بیت‌المقدس را باز پس بگیرد. این رویداد طی جنگ «حطین» به وقوع پیوست. وی پس از فتح قدس با ساکنان آن به نرمی رفتار کرده و صلیب‌ها را از قبه‌الصخره برداشته و به سازندگی شهر پرداخت. با این حال صلیبی‌ها توانستند پس از مرگ صلاح‌الدین بار دیگر بر شهر قدس تسلط یابند. این کار در دوره «پادشاهی فردریک» صورت گرفت. این شخص موفق شد که به مدت ۱۱ سال این شهر مقدس را در اشغال خود نگه دارد، اما پادشاه «صالح نجم‌الدین ایوبی» در سال ۱۲۴۴ این شهر را از آنان باز پس گرفت.

دوره ممالیک

شهر طی سال‌های ۱۲۴۳ و ۱۲۴۴ میلادی مورد حمله مغولها قرار گرفت اما ممالیک‌ها به فرماندهی «سیف‌الدین قطز» و «الظاهر بیبرس» در جنگ «عین جالود» بر مغولها پیروز شدند. این رویداد در سال ۱۲۵۹ م به وقوع پیوست و پس از آن تمام فلسطین و از جمله قدس تحت حاکمیت ممالیکی‌ها درآمد. ممالیک‌ها مصر، و شام را نیز پس از سقوط دولت ایوبی تا سال ۱۵۱۷ در حاکمیت خویش داشتند.

دوره حکومت عثمانی

ارتش عثمانی به رهبری سلطان سلیم اول پس از پیروزی در جنگ «مرج دابق» که بین سالهای ۱۶۱۵ تا ۱۶۱۶ روی داد، وارد قدس شده و آن را به قلمرو امپراطوری عثمانی ملحق کردند. سلطان «سلیمان قانونی» دیوارهای شهر قدس و همچنین «قبه الصخره» را بازسازی کرد. بین سالهای ۱۸۳۱ تا ۱۸۴۰ م فلسطین بخشی از کشور مصر به رهبری محمدعلی قرار گرفت. اما طولی نکشید که بار دیگر توسط دولت عثمانی فتح شد. دولت عثمانی در سال ۱۸۸۰ برای قدس خودمختاری اعلام کرده و دیوارهای شهر را برای سهولت ورود «ویلیام دوم» قیصر آلمان و همراهان وی به شهر در سال ۱۸۹۸ برداشت، به هر شکل قدس تا جنگ جهانی اول تحت حاکمیت عثمانی بود. آنگاه ترک‌های عثمانی پس از شکست در جنگ از فلسطین خارج شدند.

دوره اشغالگری انگلیس

قدس در سال ۱۹۱۷ به اشغال نیروهای انگلیسی درآمد. در این تاریخ ژنرال «آلنی» اشغال قدس را به دست انگلیسی‌ها اعلام کرده و «جامعه ملل» حق قیمومیت بر فلسطین را به انگلیسی‌ها واگذار کرد. اینگونه بود که قدس پایتخت فلسطین تحت قیمومیت انگلیس قرار گرفت. در این دوره یعنی حاکمیت انگلیس بین (۱۹۲۰ - ۱۹۴۸) فلسطین شاهد ورود گسترده یهودیان از سراسر جهان بود. بخصوص که پس از وعده «بالفور» در سال ۱۹۱۷ مبنی بر اسکان یهودیان در سرزمین فلسطین، جریان این مهاجرت‌ها شکل بسیار گسترده‌ای به خود گرفت.

طرح بین‌المللی کردن قدس

مسئله قدس پس از جنگ جهانی دوم در سازمان ملل متحد مطرح شد و این

سازمان با صدور قطعنامه‌ای در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ خواستار بین‌المللی شدن شهر مقدس قدس گردید.

پایان قیمومیت انگلیس

در سال ۱۹۴۸ انگلیس پایان قیمومیت خود را بر فلسطین اعلام و نیروهای خود را از این سرزمین خارج کرد. به محض خروج انگلیس از سرزمین فلسطین باندهای صهیونیستی از خلأ سیاسی و نظامی به وجود آمده در این سرزمین کمال سوءاستفاده را کرده و فوری برپایی اسرائیل را اعلام کردند. در ۳ دسامبر ۱۹۴۸ «دیوید بن گوریون» نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی بخش غربی قدس را به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی اعلام کرد، در حالی که تا شکست اعراب در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ بخش شرقی این شهر تحت حاکمیت اردن بود. اما پس از جنگ ژوئن این بخش از بیت‌المقدس نیز به اشغال رژیم صهیونیستی درآمد.

اهمیت قدس نزد مسلمانان

۱. این شهر موطن ابراهیم خلیل، محل پیامبران، محل نزول وحی و مبعث عیسی (ع) بوده است. ابن عباس در این باره می‌گوید: «پیامبران الهی بیت المقدس را بنا نهاده و در آن سکنی گزیدند. بدین سبب در وجب به وجب آن یک پیامبر نماز خوانده و یا یک ملک اقامت نموده است.»

۲. قدس اولین قبله مسلمانان و سومین حرم شریف است و پروردگار متعال آن را با لیلۃ الاسرای رسول و حبیب خود ویژگی خاصی بخشید. پروردگار متعال در قرآن کریم می‌فرماید: سبحان الذی اسرى بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله لئریه من آیاتنا آنه هو السميع البصیر. پیامبر گرامی اسلام نیز فرمودند: لاتشد الرحال الی ثلاثه مساجد مسجدی هذا و مسجد الحرام و المسجد الاقصی. از روزهای نخستین ظهور اسلام، مسلمانان موظف شدند تا آنجا را به عنوان قبله نخستین خود قرار داده و نمازهایشان را به سمت مسجدالاقصی و قدس شریف بخوانند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا هفده ماه بعد از هجرت به مدینه، به سوی قدس نماز می‌خواند. روزی معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام پرسید: از چه زمانی رسول الله صلی الله علیه و آله کعبه را قبله خود قرار داد؟ حضرت پاسخ دادند: «بعد رجوعه من بدر و کان یصلی فی المدینه الی بیت

المقدس سبعة عشر شهرا ثم اعيد الى الكعبة؛ بعد از اینکه آن حضرت از جنگ بدر برگشت. و آن حضرت در مدینه ۱۷ ماه به سوی بیت المقدس نماز می خواند تا اینکه از سوی خداوند به کعبه برگردانده شد. «بنابراین معراج رسول خدا صلی الله علیه و آله از مسجد الاقصی در شهر قدس آغاز شد. علامه طباطبائی رحمه الله در تفسیر این آیه می فرماید: جمله «بارکنا حوله» حاکی از این است که: مسجد الاقصی علاوه بر اینکه خود سرزمین مقدسی است، اطراف آن نیز سرزمین مبارکی می باشد و این ممکن است به برکات ظاهری آن اشاره کند؛ زیرا بیت المقدس ناحیه ای سرسبز، خرم و مملو از درختان پربار و آبهای جاری و آبادانیها و زیباییها است، و نیز امکان دارد اشاره به برکات معنوی آن باشد؛ زیرا این سرزمین مقدس در طول تاریخ کانون پیامبران بزرگ الهی و خاستگاه نور توحید و خداپرستی بوده است. نکته دیگری که در این سفر معنوی و الهی وجود دارد سیر پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه، مرکز اسلام به سوی بیت المقدس، مرکز ادیان توحیدی است. سید قطب می گوید: «اسراء»، تمام ادیان توحیدی بزرگ از ابراهیم و اسماعیل تا خاتم النبیین صلی الله علیه و آله را به یکدیگر پیوند داد و اماکن مقدس ادیان توحیدی را در یک جا متمرکز نمود؛ چنان که گویی حضرت محمد صلی الله علیه و آله - خاتم النبیین - با این سفر شبانه خود اعلام می دارد که پیام و رسالت او حاوی رسالت پیامبران قبلی و ادامه راه آنان است.

۳. محل عبادت و مزار پیامبران خدا: امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله را هنگام معراج به بیت المقدس می بردند، جبرئیل علیه السلام او را بر براق (مرکب آسمانی) سوار کرد و با هم به بیت المقدس آمدند. جبرئیل محراب های پیامبران بزرگ را به آن حضرت نشان داد و رسول الله صلی الله علیه و آله در آن محرابها نماز گزارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله خود نیز این سفر سرنوشت ساز را چنین گزارش می کند: من هنگام ورود به بیت المقدس براق را به حلقه ای که قبلا انبیای گذشته مرکب خود را به آن می بستند، بستم و وارد مسجد الاقصی شدم. جبرئیل هم در کنارم بود. در آنجا ابراهیم خلیل، موسی و عیسی و عده بسیاری از انبیای بزرگ الهی به خاطر من اجتماع کرده و آماده اقامه نماز بودند. من هیچ تردیدی نداشتم که جبرئیل بر همه ما امامت خواهد کرد؛ اما هنگامی که صف ها مرتب شد جبرئیل بازوی مرا گرفته و جلو برد و من بر آنان امامت کرده و نماز خواندم. طبق این روایت رسول گرامی اسلام در شب معراج در

بیت المقدس حضور یافته و با ارواح انبیای بزرگ الهی ملاقات کرده و در نماز جماعت، امامت آنان را نیز عهده دار شده است .

فتح بیت المقدس

در سال ۱۵ هجری (۶۳۶ م) نیروهای مسلمان، پس از فتح شام به سوی شهر بیت المقدس روی آوردند، آنان مدت ۴ ماه آن شهر را محاصره کردند و سختیهای زیادی را متحمل شدند تا شهر را بدون خونریزی و جنگ و کشتار تحویل بگیرند .

حاکمان شهر، که از یاری رومیها ناامید شدند و مردم شهر که از دست حکمرانان بی کفایت خسته شده بودند، پیشنهاد کردند که ما شهر را به خلیفه وقت تحویل می دهیم . مسلمانان نیز شرط آنان را پذیرفته و به خلیفه دوم اطلاع دادند که برای تحویل گرفتن بیت المقدس به آنجا بیاید . او نیز با صلاحدید امیر مؤمنان علی علیه السلام و برخی از بزرگان مدینه، به بیت المقدس آمد و ضمن ملاقات با اسقفها و رهبران مذهبی، امان نامه ای را نوشته و رسماً بیت المقدس را تحویل گرفت .

بخشی از متن امان نامه عمر به ساکنین بیت المقدس چنین است: این امان نامه ایست که عمر رئیس مسلمانان به مردم ایلیاء (بیت المقدس) داده است، به جان و مال و کلیسا و صلیب و مریض و سالم و همه افراد آن امان می دهد و اجازه نمی دهد که کلیساهای آنان را اشغال کنند و آنها را ویران سازند و چیزی از آنها را کم کنند . آنان در مسائل مذهبی آزادند و ایشان هم نباید احدی از یهودیان را در ایلیاء سکونت دهند . مردم ایلیاء نیز لازم است مانند جاهای دیگر به مسلمانان «جزیه» بپردازند و دزدها و رومیها را از آنجا بیرون کنند. پس از امضای این قرارداد، مسلمانان بدون خونریزی و درگیری و در آرامش کامل وارد شهر شدند .

پس از فتح مسالمت آمیز شهر «ایلیاء» توسط لشکر اسلام، با توجه به قداستی که قرآن کریم برای آن سرزمین قائل شده است و همچنین به خاطر قبله اول بودن، نام ایلیاء را به «بیت المقدس» تغییر دادند و این شهر را که در طول زمانهای قبل از اسلام به ویرانه تبدیل شده بود، آباد کردند .

اصحابی که در فتح بیت المقدس حضور داشتند عبارتند از: ابو عبیده جراح، معاذ بن جبل انصاری، بلال (مؤذن پیامبر صلی الله علیه و آله)، ابوذر غفاری، ابو درداء، عباده بن صامت انصاری، سلمان فارسی، ابو مسعود انصاری، عبدالله بن سلام، سعد بن ابی وقاص، شداد بن اوس و ...

فضائل بیت المقدس از منظر اهل بیت علیهم السلام

فضائل و قداست شهر بیت المقدس از منظر اسلام آنچنان اهمیت دارد که دانشمندان مسلمان در این موضوع کتابهای ویژه ای تألیف کرده اند. فضائل بیت المقدس، الفتح القسی فی الفتح القدسی، الانس فی فضائل القدس، روضه الاولیاء فی مسجد الایلیاء، تحصیل الانس لزائر القدس، الانس الجلیل بتاریخ القدس و الخلیل، نام برخی از این کتابهاست که در مورد اهمیت، فضائل و برکات مسجد الاقصی و حرم شریف قدس از منظر اسلام سخن می گویند. در اینجا به چند حدیث از اهل بیت علیهم السلام در مورد قدس شریف اشاره می کنیم:

۱. امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند: «اربعة من قصور الجنة فی الدنيا: المسجد الحرام و مسجد الرسول صلی الله علیه و آله و مسجد بیت المقدس و مسجد الکوفة؛ چهار بنا در روی زمین از کاخهای بهشتی است: مسجدالحرام، مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله، مسجد بیت المقدس و مسجد کوفه.»

۲. همچنین آن حضرت در روایت دیگری نماز در مسجد بیت المقدس را با هزار نماز معادل می داند و می فرماید: «صلاة فی بیت المقدس الف صلاة؛ یک نماز در بیت المقدس [معادل] هزار نماز است.»

۳. ابوحمره ثمالی از امام باقر علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمود: «المساجد الاربعة: المسجد الحرام و مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله و مسجد بیت المقدس و مسجد الکوفة، یا ابا حمزة! الفریضة فیها تعدل حجة و النافلة تعدل عمرة؛ چهار مسجد در روی زمین [دارای فضیلت ویژه ای] است: مسجد الحرام، مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله، مسجد الاقصی و مسجد کوفه. ای ابوحمره! انجام نمازهای واجب در این مساجد معادل حج ثواب دارد. و بجای آوردن نماز مستحبی [در آنها] معادل عمره خواهد بود.»

۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: یا علی! در شب معراج سه جا نام تو را در کنار نام خود دیدم و با نگاه به آن آرامش یافتم. الف. هنگامی که در شب معراج به بیت المقدس رسیدیم، در روی صخره آن نوشته بود: «لااله الا الله محمد رسول الله ایدته بوزیره و نصرته بوزیره، فقلت لجبرئیل علیه السلام من وزیری؟ فقال علی بن ابی طالب؛ (۱۷) خدایی جز خدای یگانه نیست، و محمد صلی الله علیه و آله فرستاده اوست. من او را توسط

وزیرش تایید کردم و نصرت بخشیدم. به جبرئیل گفتم: وزیر من کیست؟ گفت
علی بن ابی طالب.»
ب. در سدره المنتهی
ج. در عرش رب العالمین.

قدس و علمای اسلام

با توجه به جایگاه ویژه و قداست خاصی که سرزمین شریف بیت المقدس در اسلام دارد، در هر زمان علمای اسلام به ویژه مراجع شیعه نسبت به این شهر حساسیت فوق العاده ای داشته اند. به همین جهت از هنگامی که بیت المقدس توسط رژیم صهیونیستی اسرائیل به اشغال درآمد، تا کنون، علمای اسلام برای دفاع از حریم سرزمینهای اسلامی و اولین قبله مسلمانان از خود واکنش نشان داده و ضمن اعلام مراتب انزجار خود، مسلمانان را به دفاع از آن دعوت نموده اند.

در این خصوص فتواها و پیامهای زیادی از سوی مراجع عالیقدر شیعه همچون آیات عظام: سید محسن حکیم، سید محمد هادی میلانی، سید ابوالقاسم خوئی، امام خمینی رحمه الله و دیگر مراجع و بزرگان صادر شده است.
در این میان سخنان و پیامهای امام خمینی رحمه الله از آغازین سالهای مبارزه تا پایان عمر از درخشش ویژه ای برخوردار است. نقل سخنان و اعلامیه ها و عملکرد علمای بزرگ اسلام درباره قدس شریف نیازمند مقاله مفصلی است که از حوصله این مقال خارج است. در اینجا فقط به مناسبت روز جهانی قدس، پیام امام خمینی رحمه الله نقل می شود.

اعلام روز جهانی قدس

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حکیم فرزانه حضرت امام خمینی قدس سره جرقه های امید در دلهای مردم مبارز فلسطین زده شد؛ چراکه انقلاب ایران یک حرکت اسلامی و ضد اسرائیلی محسوب می شد و رهبر آن در ۱۷ خرداد سال ۱۳۴۶ ش به مناسبت جنگ ۶ روزه اعراب و اسرائیل، فتوای انقلابی خویش را مبنی بر حرمت هرگونه ارتباط تجاری و سیاسی دولتهای اسلامی با اسرائیل و حرمت مصرف کالاهای اسرائیلی در جوامع اسلامی صادر کرده و موضع خود را به طور شفاف بیان نموده بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز افزون بر حمایتهای همه جانبه جمهوری اسلامی ایران از مردم فلسطین برای آزادی بیت المقدس، با اعلام روز جهانی قدس دفاع خود را به

اوج رسانید . امام خمینی قدس سره این پیام تاریخی خود را در دفاع از قدس شریف در ۱۶ مرداد ۱۳۵۸ ش صادر نموده و آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را به عنوان روز قدس معین کرد . متن پیام چنین بود:

«بسم الله الرحمن الرحيم . من در طی سالیان دراز، خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمین نمودم، که اکنون این روزها به حملات وحشیانه خود به برادران و خواهران فلسطینی شدت بخشیده است و به ویژه در جنوب لبنان به قصد نابودی مبارزان فلسطینی، پیاپی خانه و کاشانه ایشان را بمباران می کند . من از عموم مسلمانان جهان و دولتهای اسلامی می خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن به هم پیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنوان «روز قدس» انتخاب و طی مراسمی همبستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند . از خداوند متعال پیروزی مسلمانان را بر اهل کفر خواستارم.» صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۶۷ .

این مقال را با سخنی از رهبر انقلاب حضرت آیه الله خامنه ای به پایان می بریم: «تحقیقا امروز در زندگی مسلمین و در آفاق اسلامی هیچ مسئله ای به اهمیت مسئله فلسطین نیست ... فقط غصب خانه مسلمین نیست، بلکه قضیه بالاتر از این است . مسئله این است که دشمنان جهانی اسلام، بخشی از خانه مسلمین را برای حمله به صفوف مسلمین و برای مبارزه با خواسته ها و حرکات آنها، سنگر قرار داده اند.»

مقاله دوم

چرایی حمایت جمهوری اسلامی ایران از آرمان فلسطین و پاسخ به شبهات مطرح

در طول ۳۴ سالی که از پیروزی انقلاب اسلامی می گذرد موضوع حمایت از فلسطین و دشمنی با رژیم صهیونیستی به عنوان یکی از مسائل اساسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح بوده است.

در چرایی اتخاذ این سیاست، تاکنون تحلیل های مختلفی مطرح شده است که عبارتند از: تامین امنیت جمهوری اسلامی ایران، سیاست جنگ نیابتی گروه های مبارزاتی فلسطین به جای ایران، مشغول شدن اسرائیل در فلسطین و غفلت از تحرکات ایران، تضعیف اسرائیل به عنوان یکی از قدرت های منطقه ای و برقراری توازن قوا در منطقه و... اما دلیل اصلی و محرک اصلی جمهوری اسلامی ایران برای حمایت از مردم فلسطین، مطلبی است که مقام معظم رهبری به آن اشاره کرده و فرموده اند: " طرح مسئله فلسطین برای جمهوری اسلامی یک امر تاکتیکی نیست؛ یک امر بنیانی است، از اعتقاد اسلامی ناشی می شود. وظیفه ی ماست که این کشور اسلامی را از سلطه و چنگ قدرت غاصب و پشتیبان های بین المللی اش در بیاوریم به دست مردم فلسطین بسپاریم؛ این وظیفه ی دینی است، وظیفه ی همه ی مسلمان هاست؛ همه ملت های اسلامی، همه ی دولت های اسلامی وظیفه دارند که این کار را انجام بدهند؛ این یک وظیفه ی اسلامی است."»

در ابتدای بحث لازم است به این مسئله اشاره شود که طبق اعتقادات ما،

اسلام دین تک بعدی که فقط به حوزه فردی و عبادات بپردازد نیست بلکه اسلام دینی جامع و کامل است که در تمام شئون زندگی اجتماعی و سیاسی، برنامه کامل و جامعی به مسلمین ارائه داده است. یکی از شئون سیاسی اسلام نیز مربوط به روابط خارجی می‌شود که در این رابطه جمهوری اسلامی ایران، پیاده کردن اصول و اعتقادات اسلامی در حوزه سیاست خارجی را از اهداف خود بیان می‌دارد. این مسئله باعث شده است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران - بر خلاف بسیاری دیگر از کشورها که مشی عمل‌گرایانه را در پیش گرفته‌اند و هدایت‌کننده سیاست خارجی‌شان فقط منافع آن‌هاست - سیاستی ایدئولوژیک باشد که اصول اعتقادی سیاسی اسلام به آن جهت دهد. اما اصول اعتقادی - سیاسی اسلام که حمایت از مردم فلسطین و دشمنی با رژیم صهیونیستی را به یکی از اعتقادات ما تبدیل می‌کند، چه چیزی است؟

۱. وظیفه‌ی انسانی

یکی از پایه‌های دفاع از ملت فلسطین بر مبنای دفاع انسانی است. مردم فلسطین نیز مانند بقیه انسان‌های دیگر از حقوق اولیه انسانی برخوردار هستند که باید مورد توجه و اهتمام قرار گیرد. حقوق انسانی به صرف انسان بودن هر فرد که وجه تمیز آنان از حیوانات محسوب می‌شود، باید مورد امان نظر قرار گیرد. توجه به نوع انسان، فارغ از مذهب و فرق دینی، شاخص و ملاکی برای توجه به انسان است و دفاع از فلسطین منطبق بر موازین انسانی و انسان‌دوستی است که از سر جوانمردی و پاسداری از ارزش‌های انسانی و نوع‌دوستی انجام می‌شود. رویدادهای خشن و غیر انسانی در فلسطین که با آغاز مهاجرت یهودیان به فلسطین به تصویری مستمر در یکصد سال گذشته تبدیل شده، عواطف هر انسان آزادی‌خواهی را تحریک می‌کند که نسبت بدان از خود واکنش داشته باشد. نکته‌ای که امروز در غرب تحت عنوان حقوق بشر تبلیغ می‌شود، باید پاسخگو به این نیاز و صحنه‌های غیر انسانی در فلسطین باشد. از آنجا که این قوانین حقوق بشری به دست قدرتهای جهانی با عینک سیاسی آلوده می‌شوند، کارکرد و کارآمدی خود در دفاع از حقوق انسانی و حقوق بشر را از دست می‌دهند. منشور ملل و حقوق بشر و بسیاری از معاهدات و کنوانسیونهای ژنو به شکل مستقیم و غیرمستقیم ناظر به حقوق انسانی و حمایت از آن هستند. لذا واکنش انسانی نسبت به مظلومیت فلسطین و صحنه‌های دلخراش آن و قتل و آوارگی و غصب سرزمین فلسطین، امری طبیعی و منطبق بر سرشت و فطرت بشری است.

پیامبر اعظم (ص) در زمان جاهلیت عرب و قبل از ظهور اسلام پیامبر مقدس یاری ستمدیگان به نام «حلف الفضول» را امضا کرد. واضح است که آن حضرت این عمل را به عنوان یک انسان آزاده انجام داد نه به عنوان پیامبر خدا. آنگاه حضرت پس از مبعوث شدن به پیامبری نیز فرمود تا همیشه تاریخ بر این پیامبر پایبندم. چه این که روح حاکم بر این پیامبر، دفاع از مظلوم بود که پس از بعثت نیز جزو دستورات و جهت گیری های اسلامی در امور سیاسی و اجتماعی تثبیت شد.

استاد شهید علامه مطهری نیز در این زمینه می فرماید: "هر گاه گروهی با ما نخواهد بجنگد ولی مرتکب یک ظلم فاحش نسبت به یک عده افراد انسان ها شده است و ما قدرت داریم آن انسان های دیگری را که تحت تجاوز قرار گرفته اند نجات دهیم، اگر نجات ندهیم در واقع به ظلم این ظالم نسبت به آن مظلوم کمک کرده ایم. ما در جایی که هستیم، کسی به ما تجاوزی نکرده، ولی یک عده از مردم دیگر که ممکن است مسلمان باشند و ممکن است مسلمان هم نباشند، اگر مسلمان باشند مثل جریان فلسطینی ها که اسرائیلی ها آن ها را از خانه هایشان آواره کرده اند، اموالشان را برده اند، انواع ظلم ها را نسبت به آن ها مرتکب شده اند، ولی فعلا به ما کاری ندارند، آیا برای ما جایز است که به کمک این مظلوم های مسلمان بشتابیم برای نجات دادن آن ها؟ بله، این هم جایز است، بلکه واجب است، این هم یک امر ابتدایی نیست. این هم، به کمک مظلوم شتافتن است، برای نجات دادن از دست ظلم بالخصوص که آن مظلوم مسلمان باشد."

۲. مبانی فقهی دفاع از سرزمین های اسلامی

و جوب دفاع از سرزمین های اسلامی از ضروریات فقه اسلام است. بر اساس آیات، روایات و ادله عقلی متعدد، جامعه اسلامی پیکره واحدی است و مسلمانان نمی توانند در قبال تهاجم بیگانگان به سایر هم کیشان بی تفاوت باشند، چنان که خدای متعال در قرآن کریم، با صراحت به حمایت و دفاع از ستمدگانی که مورد ظلم قرار گرفته، از وطن و کاشانه خویش اخراج و آواره شده اند. آنجا که فرمان می دهد: «قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لا تعدوا ان الله لایحب المعتدین و اقتلوه من حیث ثقتموه و اخرجوهم من حیث اخرجوکم و الفتنة اشد من القتل و لا تقتلوه عند المسجد الحرام حتی یقاتلوه فیه فان قاتلوکم فاقتلوهم کذلک جزاء الکافرین» و «اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا و ان الله علی نصرهم لقدیر الذین اخرجوا من دیارهم بغیر حق الا ان یقولوا ربنا

الله و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بيع و صلوات و مساجد يذكر فيها اسم الله كثيرا و لينصرن الله من ينصره ان الله لقوى عزيز» و نیز «و ما لكم لا تقاتلون في سبيل الله و المستضعفين من الرجال و النساء و الولدان الذين يقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها و اجعل لنا من لدنك وليا و اجعل لنا من لدنك نصيرا»؛ «چرا در راه خدا و برای رهایی مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران تضعیف شده اند) پیکار نمی کنید؟! همان افراد ستمدیده ای که می گویند: پروردگارا ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگرند، بیرون ببر، و از طرف خود برای ما سرپرستی قرار ده و از جانب خود، یار و یآوری برای ما تعیین فرما.»

از پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز روایت شده است: «من اصبح و لم يهتم بامور المسلمين فليس بمسلم» و «من سمع رجلا ينادي يا للمسلمين فلم يجبه فليس بمسلم» هر کس فریاد استغاثه هر مظلومی (اعم از مسلمان یا غیرمسلمان) را بشنود که مسلمانان را به یاری می طلبد، اما فریاد او را اجابت نکند، مسلمان نیست. در صحیح بخاری نیز از آن حضرت روایت شده که فرمودند: «همه مسلمانان برادر یکدیگرند، به همدیگر ظلم نمی کنند و در مقابل دشمنان، یکدیگر را رها نمی کنند و به خود وا نمی گذارند». در مُسند احمد بن حنبل نیز از آن حضرت آمده است: «هر کس مومنی نزد او خوار شود، ولی او را یاری نکنند، در حالی که قادر بر نصرت او باشد، خداوند عز و جل، روز قیامت نزد خلائق او را خوار خواهد کرد.» دستور نورانی امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (علیه السلام) مبنی بر این که «کونوا للظالم خصما و للمظلوم عونا» همواره خصم ظالم و یار و یاور مظلوم باشید نیز بر این نکته مهم دلالت دارد که در اسلام، مقابله با تهدید و ارباب و وظیفه ای همگانی است؛ همه باید یکپارچه، در برابر عوامل تهدید و ارباب بایستند و از مظلوم دفاع کنند و خصم ظالم باشند.

بر این اساس، دفاع تنها بر کسانی واجب نیست که از سوی دشمن مورد هجوم قرار گرفته اند، بلکه همه مسلمانان وظیفه دارند، در مقام دفاع از مسلمانانی که در بخشی از سرزمین های اسلامی مورد تجاوز قرار گرفته اند، دفاع کنند و با جان و مال خود، در راه خدا جهاد کرده و در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی، حمایت های لازم را به عمل آورند. این موضوع مورد اتفاق فقها و اندیشمندان شیعه و سنی است، که به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم: ابوالصلاح حلبی در این زمینه می نویسد: «اگر از بعضی کافران یا محاربان، بر سرزمین های اسلامی خطری متوجه شود، بر اهل هر منطقه ای جنگ

با کسانی که در نزدیکی آنها هستند و دفاع از دارالایمان واجب است و بر کسانی که در مناطق دور دست زندگی می کنند، واجب است به نزدیک ترین مرزهای نبرد با کفار کوچ کنند؛ البته مشروط بر اینکه مناطق درگیر با کفار نیازمند یاری آنها باشند تا بدین وسیله، هر منطقه ای از سرزمین های اسلامی از وجود مجاهدین و مدافعان از حریم اسلام و مسلمین برخوردار شوند و در این صورت، کوچ بر دیگران که در مناطق دور زندگی می کنند، ساقط شود.» شهید ثانی نیز با صراحت اعلام می کند که «جهاد دفاعی تنها بر مسلمانانی واجب نیست که مورد هجوم دشمن اند، بلکه بر هر کسی که از وضعیت مسلمانان خبر دارد، واجب است.»

کاشف الغطاء نیز دفاع را بر همگان واجب کفایی شمرده است و می افزاید: «جهاد در این وضعیت، نه تنها جایز و مشروع است، بلکه از واجب ترین فرایض دینی، ملی و اجتماعی است و از مقومات و استوانه های کرامت و احترام وطن و ساکنان در آن است.»

عمر احمد الفرجانی نیز چنین می نگارد: «اسلام قلمروی مکانی خاصی را برای دفاع از مظلوم معین نکرده است، هر جا که ظلمی رخ بدهد، حتی در داخل کشورهای غیراسلامی، جهاد برای رفع ظلم از مسلمانان یا غیرمسلمانان مشروع است.» شیخ ناصر الدین البانی نیز با صحه گذاشتن بر جهاد دفاعی علیه دشمنی که به برخی سرزمین های مسلمانان حمله کرده است، مصداق بارز آن را اسرائیل غاصب دانسته و می گوید: تمام مسلمانان در قضیه فلسطین گناهکارند، تا آن زمان که اشغالگران صهیونیست را از سرزمین فلسطین بیرون برانند. استاد شهید آیت الله مرتضی مطهری نیز در این زمینه می نویسد: «هر گاه گروهی با ما نخواهد بجنگد، ولی مرتکب یک ظلم فاحش نسبت به یک عده افراد انسان ها شده است و ما قدرت داریم آن انسان های دیگر را که تحت تجاوز قرار گرفته اند، نجات دهیم، اگر نجات ندهیم، در واقع به ظلم این ظالم نسبت به آن مظلوم کمک کرده ایم. ما در جایی که هستیم، کسی به ما تجاوزی نکرد، ولی یک عده از مردم دیگر که ممکن است مسلمان باشند و ممکن است مسلمان هم نباشند، اگر مسلمان باشند مثل جریان فلسطینی ها که اسرائیلی ها آن ها را از خانه هایشان آواره کرده اند، اموالشان را برده اند، انواع ظلم ها را نسبت به آن ها مرتکب شده اند، ولی فعلاً به ما کاری ندارند، آیا برای ما جایز است که به کمک این مظلوم های مسلمان بشتابیم برای نجات دادن آنها؟ بله این هم جایز است، بلکه واجب است این هم یک امر ابتدایی نیست، این هم به کمک مظلوم شتافتن است برای نجات دادن از دست ظلم بالخصوص که آن مظلوم مسلمان باشد.»

در تجاوز اسرائیل به کشورهای اسلامی، حضرات آیات سید محسن حکیم، سید هادی میلانی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید علی موسوی بهبهانی، بهالدین محلاتی و بسیاری دیگر از مراجع با صدور اعلامیه هایی از عموم مسلمانان خواستند تا به یاری مسلمانان مظلوم فلسطین و کشورهای مورد تجاوز بشتابند. در بخشی از اطلاعیه آیت الله شیخ بهالدین محلاتی آمده است: «بر همه مسلمانان جهان واجب است که از هر گونه مساعدت مادی و معنوی نسبت به اعراب مسلمان دریغ ندارند و هر نوع معامله و ارتباطی که منشا تقویت اسراییل بشود یا در آمادگی آنها برای مبارزه و پیکار با کشورهای عربی دخالت داشته باشد، حرام و در حکم مبارزه با اسلام است.»

حضرت امام خمینی (ره) در نهم اسفند سال ۱۳۶۶ طی سخنانی برای اعضای شورای مرکزی حزب الله لبنان فرمودند: «همه شیاطین مجتمع اند که نگذارند اسلام رشد کند و ما باید این معنا را در نظر داشته باشیم که با تمام قوا و تا آخرین نفرمان، مهیا شویم و در راه خدا جهاد کنیم. دفاع از نوامیس مسلمین و دفاع از بلاد اسلامی و دفاع از همه حیثیات مسلمین امری است لازم و ما باید خودمان را برای مقاصد الهی و دفاع از مسلمین مهیا کنیم و خصوصا در این شرایطی که فرزندان واقعی فلسطین اسلامی و لبنان، یعنی حزب الله و مسلمانان انقلابی سرزمین غصب شده و لبنان با نثار خون و جان خود فریاد «یا للمسلمین» سر می دهند، با تمام قدرت معنوی و مادی در مقابل اسراییل و متجاوزان بایستیم و در مقابل آن همه سفاکی ها و ددمنشی ها، مقاومت و پایداری کنیم و به یاری آنان بشتابیم و سازشکاران را شناسایی و به مردم معرفی کنیم.»

مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) نیز فرمودند: قضیه فلسطین کلید رمز آلود گشوده شدن درهای فرج به روی امت اسلامی است و همه دنیای اسلام باید مساله فلسطین را مساله خود بدانند تا در سایه تحقق وعده های الهی، فلسطین به ملت فلسطین برگردد و دولت واحد فلسطینی به انتخاب همه فلسطینیان، سراسر کشور خود را اداره کند.

۳. نقش محوری ایران در ام القرای جهان اسلام

اسلام با قائل شدن رسالت جهانی برای بشریت، همه هویت های قومی و نژادی، قبیله ای، ارتباطات خویشاوندی و فامیلی را تابع هویت اسلامی قرار می دهد و مرزی برای مسلمین قائل نیست. بر این اساس اسلام جهان را به دو اردوگاه متمایز تقسیم می کند؛ «دارالاسلام» و «دارالکفر». در این تقسیم به خوبی جایگاه عقیده و ایمان در مرزبندی قدرت سیاسی

ملاحظه می‌شود و قلمروی دولت اسلامی را قطع نظر از مختصات خاک، خون و غیره بر یک اصل معنوی (وحدت عقیده) استوار می‌گرداند. به این ترتیب تابعیت در اسلام بر اساس سرزمین نیست، بلکه بر اساس ایمان و عقیده است. در نتیجه هر جا مسلمان است دولت اسلامی وظیفه دارد که به وضع آن رسیدگی کند و اگر ظلمی بر آن شد درصدد احقاق حقش برآید. در دنیای امروز مرزهای جغرافیایی باعث پیدایش دولت و ملت‌ها شده است که این موضوع مانع از تشکیل دولت واحد اسلامی می‌شود. جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام‌القرای جهان اسلام، نقش محوری در توانمندسازی و وحدت دنیای اسلام بر عهده دارد.

۴. اصل استکبارستیزی

طبق این اصل، دین اسلام اجازه نمی‌دهد دولت کافری بر دولت مسلمانی سلطه خود را اعمال نماید و مسلمین نباید تحت سلطه کفار باشند. قاعده فقهی «نفی سبیل» تقویت‌کننده این اصل مهم در اسلام است. با توجه به معیارهای اسلامی، دولت اسلامی نمی‌تواند نظاره‌گر اقدامات و مظالم مستکبران در دنیا باشد او وظیفه خود می‌داند که از مستضعفین عالم در برابر اقدامات مستکبرین حمایت کند.

۵. اصل عدالت‌طلبی

عدالت‌طلبی، فقط مختص به یک قومیت یا ملیت نمی‌شود. عدالت‌طلبی باید شامل تمام مسلمانان و حتی به صورت عام‌تر شامل تمام مظلومین دنیا شود. دولت اسلامی موظف است به بی‌عدالتی در هر جای دنیا اعتراض کند و مدافع حق مظلوم باشد. «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله» ای اهل ایمان در راه قسط و عدالت پایدار و استوار بوده و برای خداوند شاهد و گواه باشید.

۶. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

این اصول در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز لحاظ شده است و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان مبنا و دستور کار سیاست خارجی در موارد متعددی، دفاع و حمایت از مستضعفان و مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان را وظیفه‌ی جمهوری اسلامی ایران می‌داند:

- دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه‌ی

ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش به عمل آورد تا وحدت سیاسی - اقتصادی و فرهنگی جهان اسلامی را تحقق بخشد.

- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری... دفاع از حقوق همه‌ی مسلمانان می‌باشد.

- جمهوری اسلامی ایران در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه‌ی حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.

نظام جمهوری اسلامی ایران با پذیرفتن و پیاده کردن این اصول در سیاست خارجی خود هویتی متمایز پیدا کرده که این هویت اسلامی - شیعی را عامل جهت‌دهی و هدایت‌کننده سیاست خارجی خود می‌داند. جمهوری اسلامی ایران با هدف وحدت و حمایت از مسلمانان جهان و برای پیشبرد اهداف استکبارستیزانه و عدالت‌جویانه خود به حمایت از فلسطین می‌پردازد و طبق اصول پذیرفته شده خود، مردم فلسطین را هم جزو قلمروی دولت اسلامی در برابر دارالکفر می‌داند.

۷. امنیت ملی

نظام جمهوری اسلامی ایران برای دفاع از منافع خود و امت اسلامی گسترش روابط با همه‌ی کشورهای جهان و به ویژه جهان اسلام را در دستور کار خود دارد و باید با حمایت از ملت‌های مسلمان و مظلوم، عمق استراتژیک خود در جهان اسلام و ملت‌های مسلمان را حفظ کند. امروز هسته‌های حزب الله و گروه‌های آزادی‌بخش وظیفه‌ی دفاع از نظام جمهوری اسلامی و مقابله با دشمنان ملت ما را رسماً اعلام کرده‌اند و نیز وحدت اسلامی از اصول استراتژیک جمهوری اسلامی است.

امنیت ملی و منافع ملی ما با همه‌ی مسلمانان به ویژه ملت فلسطین گره خورده، از این رو انجام حمایت‌های اقتصادی، سیاسی و تبلیغاتی در حد وسیع و توان از ملت‌های مسلمان دیگر خصوصاً فلسطین، نه تنها با منافع ملی ما تعارض ندارد بلکه در راستای تامین منافع ملی ایران به حساب می‌آید؛ زیرا:

اولاً، منافع ملی یک کشور فقط در مرزهای جغرافیایی آن محدود نمی‌شود. لذا دولت‌ها به میزان هزینه‌هایی که در کشورهای دیگر می‌کنند، از قدرت تصمیم‌گیری و تاثیرگذاری بیش‌تری نیز در آینده آن کشور و معادلات منطقه‌ای برخوردار می‌شوند. اصولاً بخشی از امنیت ملی هر کشوری، در خارج از مرزهای آن کشورها تامین می‌شود. همچنان که دشمنان ما در اقصی نقاط

جهان پایگاه زده، موجب تهدید امنیت ملی ما و دیگر همسایگان را فراهم آورده است، ما نیز به دنبال پایگاه های امنیتی برای خود در خارج از کشور باشیم .

ثانیا، حفظ موجودیت، استقلال و تمامیت ارضی و امنیت ملی کشور که از عناصر کلیدی و حیاتی تشکیل دهنده منافع ملی است، به صرف چنین هزینه ها و کمک به ملت هایی که در خط اول مبارزه با دشمنان ما قرار دارند، نیاز دارد . واقعیت آن است که مردم مظلوم و مبارز فلسطین از ما نیز دفاع می کنند و ما کمترین وظیفه خود یعنی تدارکات و پشتیبانی را انجام می دهیم . همان طور که رهبر فرزانه انقلاب در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فرمود: «اگر صهیونیست های افزون طلب، گرفتار انتفاضه نبودند، بدون تردید برای سیطره بر مصر و سوریه و لبنان و دیگر کشورهای خاورمیانه وارد عمل می شوند .»

هسته های مقاومت و مبارزاتی و نهضت های آزادی بخش در سراسر جهان اسلام به عنوان یکی از مهم ترین اهرم های قدرت برای جمهوری اسلامی است که ابر قدرت ها را ترسانده موجب بازدارندگی آن ها از عملی کردن نیات امپریالیستی شان می گردد و کمک به این مردم مبارز، یعنی استحکام بخشیدن به سنگرهای دفاعی خود .

آینده نگری و تامین منافع بلند مدت خود بهترین دلیل بر انجام چنین اقداماتی است؛ زیرا آرمان ها و اهداف توسعه طلبانه رژیم صهیونیستی هرگز به فلسطین محدود نبوده، بلکه آرزوی سیطره بر جهان اسلام و خصوصا ام القرای آن یعنی جمهوری اسلامی ایران را در سر می پروراند . این اعانات یکپارچگی ما را بهتر حفظ می کند و قدرت جمعی ما را بر دشمنان افزون می سازد و برای مصونیت خود ما از خطرات دشمن مفید است .

یکی از کشورهای قسم خورده علیه ایران اسرائیل است . اسرائیلی ها تلاش کردند در کشورهای همسایه ما نفوذ کنند . آنان تصریح کرده اند که ما سعی می کنیم در حیاط خلوت ایران، نفوذ کنیم . حیاط خلوت ما کشورهای همسایه (ما مثل آذربایجان، ترکیه، ترکمنستان، کشورهای خلیج فارس و ..) است و اسرائیلی ها می خواهند، با برقراری رابطه با همسایه های ما، بر ما فشار وارد کنند . ما هم اگر قرار باشد اقدام متقابل انجام دهیم و توازنی بین امکانات ما و دسترسی های اسرائیل فراهم باشد، حتما باید با کشورهایی که با اسرائیل هم مرزند، رابطه داشته باشیم . بنابراین با لبنان و سوریه - به عنوان دو کشور هم مرز اسرائیل - رابطه استراتژیک داریم و این در حقیقت یک کمک بزرگ به

حفظ امنیت ملی ما است. سوریه متحد ما است و در لبنان حزب الله و دولت متحد ما هستند و این ها در کنار مرز اسرائیل قرار دارند. اگر اسرائیلی ها در آذربایجان و ترکمنستان نفوذ کنند، یکی از اهدافشان فشار آوردن بر ایران است و ما هم باید کار متقابل انجام دهیم تا توازن منطقه ای به وجود آید. بسیاری از موارد امنیت کشورها، در سایه توازن استراتژیکی بین نیروهای مختلف با عوامل ایجاد کننده قدرت در منطقه حاصل می شود. اگر اسرائیلی ها بیایند و در جای جای کشورهای همسایه نفوذ کنند، به این معنا است که هر وقت خواستند، می توانند بر ما فشار آورند و ما وسیله متناسب و متفاوتی برای خنثی کردن فشار آن ها نداریم.

به تعبیر دیگر، اسرائیل غده سرطانی است اگر ما با او کار نداشته باشیم او با ما کار دارد و خطرش برای همه است به ویژه کشورهای اسلامی و بالخصوص ایران. طبق کارآمدترین دکترین امنیتی، جمهوری اسلامی ایران باید تهدید را به خارج از مرزها برده تا امنیت ملی ما دچار آسیب نشود. فلسطین در خط مقدم مبارزه علیه صهیونیسم است و اگر صهیونیسم در فلسطین موفق شود بعد از آن به نیل تا فرات اندیشیده و کم کم پشروی می کند و اگر به مرزهای ما نزدیک شود خطرات امنیتی و نظامی و... چندین برابر خواهد شد.

امریکا و کشورهای اروپایی با وجود بحران شدید مالی و اقتصادی و داشتن فقر (در امریکا تقریبا ۴۰ میلیون فقیر وجود دارد) سالانه میلیاردها دلار به اسرائیل کمک می کنند. در عین حال حمایت ایران از فلسطین و لبنان و سوریه بیشتر معنوی و سیاسی است تا مالی و اقتصادی.

۸. توسعه روابط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی

در بسیاری از موارد کمک به دیگر کشورهای منطقه و همسایگان در جهت ایجاد روابط فرهنگی، سیاسی، تجاری و اقتصادی است. ما با این کمک ها و حضور در این کشورها و پیشی گرفتن از رقبا می توانیم زمینه روابط فرهنگی، اقتصادی و توسعه ی صادرات غیر نفتی کشور و تولیدکنندگان را فراهم نماییم تا کشورمان ضمن صدور ارزش های انقلاب اسلامی، در مسیر توسعه اقتصادی با کشورهای دوست و مسلمان نیز گام بردارد.

از این رو تمام کمک ها و حمایت ها تنها صرف هزینه نیست بلکه در بخشی بستر سازی برای روابط اقتصادی و سیاسی بیشتر می باشد که این امر نیز امری متعارف در سراسر جهان و در بین کشورهاست.

سابقه دفاع از فلسطین و دشمنی با رژیم صهیونیستی

حرکت اعتقادی و انقلابی جمهوری اسلامی ایران در دفاع از فلسطین و دشمنی با رژیم صهیونیستی مختص حال حاضر نیست، بلکه از ابتدای تشکیل رژیم صهیونیستی، گروه‌ها و تشکل‌های اصیل اسلامی و مبارزان انقلابی در بحبوحه مبارزه‌های خود، تلاش برای آزادی فلسطین را به عنوان یکی از اهداف اصلی خود مطرح می‌کردند.

با وجود اینکه در آن زمان هنوز کشوری به نام جمهوری اسلامی ایران تشکیل نشده بود اما پای‌بندی به اصول و اعتقادات اسلامی، مراجع و مبارزین را به انجام واکنش به این موضوع وا می‌داشت.

- آیت‌الله کاشانی از اولین افرادی بود که به اشغالگری رژیم صهیونیستی اعتراض کرد و از مردم خواست تا برای حمایت از مردم فلسطین اجتماع کنند و سخنرانی‌های فراوانی را در این زمینه ایراد فرمودند. ایشان همچنین حسابی را در بانک ملی افتتاح کردند تا مردم کمک‌های خود برای مردم فلسطین را به آن حساب واریز نمایند.

- آیت‌الله بروجردی نیز که در آن زمان ریاست حوزه علمیه قم را بر عهده داشت، در برابر این مسئله سکوت نکرد و به دنبال تشکیل دولت صهیونیستی در زمستان ۱۳۲۶ و جنگ بین دولت‌های عربی و رژیم صهیونیستی اطلاعیه‌ای را صادر کردند.

- فداییان اسلام هم به رهبری نواب صفوی در بیانیه اعلام موجودیت خود، آزادی کل جهان اسلام را هدف قرار دادند و بعد از اعلام موجودیت رسمی رژیم صهیونیستی اعتراض‌های خود را به این مسئله شروع کردند و تظاهرات و جلسات متعددی را در حمایت از مردم فلسطین به راه انداختند که این جلسات با سخنرانی‌های مهیج نواب صفوی همراه می‌شد. نواب صفوی معتقد بود که باید مسئله فلسطین را اسلامی کرد نه عربی.

در جریان انقلاب اسلامی و از ابتدای حرکت روحانیت در دهه ۱۳۴۰، دفاع از آرمان فلسطین، محکوم کردن رژیم اشغالگر اسرائیل و انتقاد از رژیم شاه به دلیل همکاری با اسرائیل، بخشی از مبارزات روحانیت و رهبری نهضت بود. در واقع نیروهای مذهبی، اسرائیل را نماد ستم و توطئه دائمی دولت‌های قدرتمند بر ضد کشورهای اسلامی و فلسطین را نماد مظلومیت جهان اسلام در مقابل جهان غرب می‌دانستند.

اوج این حمایت مربوط می‌شود به جریان جنگ ۶ روزه در خرداد ۱۳۴۶ که مراجع و علما اقدامات فراوانی برای آگاه‌سازی مردم و کمک به مردم فلسطین

انجام دادند. آیت‌الله میلانی، آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله سیدعلی بهبهانی و آیت‌الله غروی با صدور اطلاعیه‌هایی از مردم خواستند تا در برابر اسرائیل متحد شوند و از دولت ایران نیز خواستند تا از کمک به این رژیم خودداری کند. امام خمینی نیز به عنوان رهبر مسلمانان، از همان زمان شروع مبارزات خود برضد استبداد شاه و استعمار آمریکا، مبارزه برضد اسرائیل و دفاع از منافع جهان اسلام را نیز شروع کردند.

امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در اعلامیه‌ای که به مناسبت سالگرد قیام ۱۵ خرداد تهیه کردند و به امضای آیت‌الله میلانی، آیت‌الله نجفی و علامه طباطبایی نیز رساندند تصریح کردند: «ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است، برادری با جمیع مسلمین است. در تمام نقاط عالم هم پیمانی با تمام دول اسلامی است سرتاسر جهان، در مقابل صهیونیسم مقابل اسرائیل مقابل دول استعمار طلب مقابل کسانی که ذخایر این ملت فقیر را به رایگان می‌برند.

امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) دولت اسرائیل را همواره در حال جنگ با جهان اسلامی می‌دانستند و ارتباط ایران با اسرائیل را کمک به اسرائیل ارزیابی می‌کردند. ایشان در فتوایی که بعد از جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۳۴۷ صادر کردند، دفاع از فلسطین را واجب و کمک از زکوات و سایر صدقات را اجازه دادند. «

این اعتراض‌های مراجع، روحانیون و مبارزین در بحبوحه انقلاب و سرکوب‌های رژیم شاه، بیانگر نوع نگاهی است که نهضت و رهبر آن به این موضوع داشتند که امروز نیز توسط مقام معظم رهبری به عنوان اصلیت‌ترین دلیل حمایت از مردم فلسطین به آن اشاره می‌شود. طبق اندیشه اصیل اسلامی، مسلمانان در هر نقطه‌ای از جهان در قلمروی دارالاسلام قرار دارند و باید به حال آنان توجه شود ولو از ملیت، نژاد یا قوم دیگری باشند.

پایان سخن

در این یادداشت با توجه به اصول اسلامی - شیعی، اعتقادی بودن حمایت جمهوری اسلامی ایران از فلسطین را به اثبات رساندیم و در تکمیل این بحث از مبارزه تاریخی مراجع و مبارزین شیعه - حتی در سخت‌ترین شرایط - برای این اعتقاد خود صحبت کردیم. امروز با توجه به شرایط جهانی و منطقه‌ای،

سیاست حمایت از فلسطین و دشمنی با رژیم صهیونیستی برای ایران، بدون منفعت مادی نیست اما همان طور که بیان شد وقتی مسئله‌ای به عنوان یک اصل دینی و اعتقادی پذیرفته می‌شود، کوتاهی در عمل به این اصل، حتی با وجود ضررهای مادی قابل توجیه نیست. بنابراین در چارچوب سیاست خارجی، حمایت از مردم فلسطین را باید به عنوان یکی از اصول ثابت پذیرفت که کوتاهی در این امر چیزی جز کم‌رنگ شدن هویت اسلامی - شیعی را به بار نخواهد آورد.

پاسخ به چند سوال مطرح درباره یهود، صهیونیسم و فلسطین

سوال ۱: چرا از دولت اسرائیل به عنوان رژیم صهیونیستی نام برده می شود؟ آیا بین یهود و صهیونیسم تفاوتی است؟ ریشه اعتقادی صهیونیسم چیست؟

۳۵

اینجاست
خط مقدم...

پاسخ: صهیونیسم یک جریان انحرافی در دین یهود است. صهیونیسم را باید یک پدیده مافیایی دانست که زرسالاران یهود برای رسیدن به مطامع خود آن را به راه انداخته اند. البته این واقعیت را نباید انکار کرد که جریان صهیونیسم با همه ویژگی‌های منفی آن، در میان یهودیان بروز کرده است و پایگاه اصلی آن نیز در میان یهودیان است، اما نباید آن را با دین یهود کاملا منطبق، یکسان و جزء جدایی ناپذیر دانست.

صهیونیسم می‌کوشد تا خود را سمبل دین یهود معرفی کند تا کسانی را که با آن مخالفت می‌کنند یهود ستیز توصیف کند، این درحالی است که بعضی از یهودیان جهان، صهیونیسم را یک پدیده انحرافی در دین یهود دانسته و بسیاری از آن‌ها با تشکیل گروههایی علیه آن فعالیت می‌کنند. از جمله این گروهها جنبش یهودی ضدصهیونیسم "نتوریکارتا" و «ستمار» است.

در عین حال باید توجه کنیم که بسیاری از ویژگی‌های صهیونیسم در میان برخی یهودیان ریشه تاریخی دارد و قرآن نیز به آنها اشاره می‌کند و از اینرو

تاویل‌های نادرست و تحریف‌های صورت گرفته در دین یهود زمینه مناسبی برای شکل‌گیری و بروز صهیونیسم به‌شمار می‌آید، تحریف‌هایی که در آن ترسیم خدای متعال (العیاذبالله)، بصورت انسان عاجز و ناآگاه و کشتی گرفتن با حضرت یعقوب و مغلوب شدن در برابرش و نسبت‌های ناروا دادن به انبیاء داده شده است.

از سوی دیگر این واقیعت هم وجود دارد که جنایات یهودیان، هم ریشه در ایدئولوژیهای خصمانه تورات تحریف شده و تلمود دارد و هم در عمق فکر و دکترین سیاسی و عملکرد وحشتناک و ددمنشانه آنها و این روح ددمنشوی، مسبوق به نیت شوم و برنامه ریزی شده این افراد است. جنبش صهیونیستی از بدو قرن بیستم و تولد آن توسط صهیونیسم تا اعلام دولت، جنایاتش را به وسیله سازمانهای تروریستی به اجرا می‌گذاشت که هم وجه دینی (بر مبنای تورات تحریف شده) داشتند و هم وجه کاملاً مشروع و قانونی. «ایرگون»، «هاگانا»، «اشترن» از مشهورترین این سازمانهای تروریستی بودند و هستند. سران رژیم صهیونیستی بر اساس سیاستهایی که مبنا و اصل آن را از تورات تحریف شده گرفته‌اند، اعمال وحشیانه خود را همراه با یک رشته عملیات قتل و تبعید توأم با خشونت به سرانجام دلخواه می‌رساندند.

بدین جهت برای بررسی و شناخت صهیونیسم ناچار به بررسی پایه‌های اعتقادی یهود هستیم که منجر به تشکیل صهیونیسم شده است. اما به رغم این تحریف‌ها و ویژگی‌های منفی ناشی از آن در دین یهود، این دین همچنان یک دین آسمانی تلقی می‌شود و رابطه اسلام با یهود و مسلمانان با یهودیان یک رابطه مسالمت آمیز، وحدت‌طلبانه بر اساس کلمه توحید از صدر اسلام تا کنون بوده است درحالی‌که رابطه میان اسلام و صهیونیسم و مسلمانان و صهیونیست‌ها، رابطه رویارویی و ستیزه‌جویانه است.

سوال ۲: در توصیف دین تحریف شده یهود و صهیونیسم واژه نژاد پرستی زیاد استفاده می‌شود. دلیل استفاده از این اصطلاح چیست؟ آیا این به معنای آن است که صهیونیسم و دولت اسرائیل بیش از آن که پیروان یک دین آسمانی باشند یک جریان نژاد پرستانه است؟

پاسخ: یکی از مهم‌ترین مباحث درباره صهیونیسم و برخی فرقه‌های یهودی، مسئله نژادپرستی آنان است که به صراحت آن را بیان کرده و از آن دم می‌زنند و حتی به آن مباحث می‌کنند. در این

نوشتار به اجمال به بعضی از عقاید آنها در این باره اشاره می کنیم:

۱. ارواح یهود از ارواح دیگران برتر است؛ زیرا ارواح یهود جزو خداوند است، چنان که فرزند جزو پدرش است. ارواح یهود نزد خداوند عزیزتر است؛ زیرا ارواح دیگران، شیطانی و مانند ارواح حیوانات است.
۲. رستگاری و بهشت مخصوص یهود است و هیچ کس به جز آنها داخل آن نمی شود، ولی دوزخ، جایگاه مسیحیان و مسلمانان است.
۳. اسرائیلی نزد خداوند بیش از فرشتگان، محبوب و معتبر است. اگر یک نفر غیر یهودی یک یهودی را بزند، باید او را کشت. چنان که انسان بر حیوانات فضیلت دارد، یهود هم بر اقوام دیگر برتری دارد.
۴. هرگاه یهودی و اجنبی شکایت داشته باشند، باید حق را به جانب یهودی داد، اگرچه باطل باشد. ربودن اموال دیگران از راه ربا مانعی ندارد. حیات و زندگانی دیگران ملک یهود است، چه رسد به اموال آنها.
۵. ما ملت برگزیده خداوندیم. از این رو، خداوند برای ما حیوانات انسانی آفریده است، مانند مسیحیان و مسلمانان و بوداییان تا بر آنها سوار شویم.

سوال ۳: فرق بین یهود و صهیونیسم چیست؟ آیا صهیونیسم یک گرایش سیاسی است؟

پاسخ: صهیونیسم یک حزب و تشکیلات سیاسی است که با وسایل و ابزار ظالمانه و نامشروع اهداف جا برانه و غاصبانه ای را تعقیب می کند. صهیون نام کوهی است در اورشلیم که بارگاه حضرت داود پیامبر(ع) در آن قرار دارد و واژه صهیونیسم از آن گرفته شده است. قبل از جنگ جهانی اول، روزنامه نگاری به نام (تئودر هرتزل) اهل اتریش یا مجارستان در سال ۱۸۹۵ کتابی به نام (دولت یهود) نوشت و منتشر نمود. او در این کتاب از لزوم تشکیل کشور مستقل برای یهودیان سخن به میان آورد اما به محل و مرکز تشکیل دولت یهود اصلاً اشاره ای نداشت. در این کتاب پیش نهاد نمود که آژانس یهود تشکیل شود تا برنامه مذاکرات و نقشه های حزب را تنظیم نماید و یک شرکت یهودی به وجود آید که احتیاجات اقتصادی نهضت را تأمین کند. اولین کنگره حزب صهیونیسم در شهر (بال سوئیس) تشکیل گردید که در آن کنگره فلسطین محل تشکیل دولت یهود تعیین شد. پس از شکست دولت عثمانی و حاکمیت انگلستان بر فلسطین و لبنان و شروع جنگ جهانی اول که دامنه اش به حدود فلسطین رسیده بود یکی از

رهبران صهیونیسم به نام (هربرت سموئل) یادداشتی به اعضاء کابینه انگلستان و نمایندگان عوام آن کشور تقدیم کرد و در آن یادداشت پیش نهاد کرد که یک دولت یهودی تحت نظارت انگلستان در فلسطین ایجاد شود و از طرفی، جمعی دیگر از رهبران یهود و در رأس آن دکتر وایزمن استاد کرسی شیمی دانشگاه منچستر انگلیس که در اثر کشف ماده (اسیتون) که برای ماده منفجره ضروری بود، در جامعه و دستگاه دولتی انگلیس صاحب نفوذ بودند با مقامات انگلیس و هم چنین فرانسه و آمریکا درباره تشکیل دولت یهودی در فلسطین مذاکره کردند و بالاخره کار به جایی رسید که بالفور وزیر خارجه وقت انگلیس وعده تشکیل دولت یهودی را در روز دوم نوامبر ۱۹۱۷ میلادی به صهیونیست ها داد و در نتیجه یهودی ها با حمایت کامل انگلیس و آمریکا و فرانسه دولت خود را تشکیل دادند. به طور خلاصه عوامل مؤثر در تشکیل دولت صهیونیسم به شرح زیر است:

۱. پافشاری سردمداران یهود و صهیونیسم برای تشکیل دولت یهود در فلسطین
۲. آمادگی حکومت های غرب و شرق برای نجات ملت ها از شر یهودی ها و مزاحمت های سیاسی و اقتصادی؛ زیرا یهود در هر کشوری که باشد اقتصاد آن کشور را قبضه می کند و به همین دلیل هیتلر یهودی ها را سوزاند و روسیه آن ها را اخراج کرد.
۳. از همه مهم تر استکبار جهانی بر آن بود که یک غده سرطانی را در قلب کشور های اسلامی قرار دهد تا دولت های عرب و مسلمان نتوانند به وحدت برسند و دوباره تجربه امپراطوری عثمانی تجدید نشود و اصولاً جامعه مسلمانان گرفتار اسرائیل شوند. یهودیان خود را قوم برگزیده خداوند می دانند و بر خلاف مسیحیان و مسلمانان که دین شان را جهانی می دانند، یهودیان، رستگاری را منحصر به قوم یهود می دانند و پذیرش دین یهود را از طرف دیگران صحیح نمی دانند و معتقدند که یهودیت تنها از طریق نسل و پدران منتقل می شود. بنابراین صهیونیست نام حزب سیاسی بود که در میان یهودیان تشکیل شد و معتقد به تشکیل کشور مستقل در فلسطین و گسترش آن از نیل تا فرات است، در حالی که همه یهودیان چنین اعتقادی ندارند. هم چنین صهیونیست معتقد به برتری نژادی یهود بر دیگران است و به همین خاطر یک اعتقاد نژادپرستانه را دنبال می کنند و نیز معتقد به پیشبرد اهداف خود با قدرت نظامی و سلطه گری بر دیگران هستند و این اعتقاد اگر چه در میان بسیاری از یهودیان وجود دارد و غالباً طرفدار صهیونیست هستند، اما تعداد زیادی از یهودیان هستند که با این نوع اعتقادات موافق نیستند و تعداد آنها رو به افزایش است. به همین خاطر می بینیم که گروه های مخالف صهیونیست در جامعه یهودیان نیز به وجود آمده است و دست به ایجاد تشکیلات مستقل از صهیونیست و اسرائیل

زدند و به مخالفت با تشکیل و ادامه کشور اسرائیل پرداختند. این تشکل در جامعه آمریکا وجود دارد و اخیرا در کشور انگلستان نیز به وجود آمده است.

سوال ۴: می گویند صهیونیست ها برای اداره جهان اقدام به تدوین سیاست هایی به نام « پروتکل دانشوران یهود» کرده اند. آیا این پروتکل ها وجود دارند؟

پاسخ: یکی از حیرت انگیزترین و عجیب ترین و خطرناکترین کتابهای سیاسی که تا کنون انتشار یافته است، کتاب « پروتکل های حکمای یهود» می باشد. پروتکل به معنی صورت مجلس مذاکرات سیاسی، متمم قراردادها و عهدنامه های رسمی و مقابله نامه ها آمده است. اما در اینجا به مفهوم تصمیم ها و فرمول هایی است که از سوی جمعی از متفکران، استراتژیست ها و خاخام های یهودی به منظور تسخیر عالم طراحی شده است. به نوشته محقق برجسته و مبارز فلسطینی «عویج نویهض» «پروتکلها برنامه ای است که سرمایه داران و اقتصاددانان و متفکران و علمای یهود برای ویران کردن بنای مسیحیت، قلمرو پاپ و دست آخر اسلام، آن را تنظیم کرده اند. یهودیان صهیونیست معتقدند که بعد از این ویرانی که به گفته اصحاب پروتکل لها طی صد سال انجام خواهد شد آنها بر جهان استیلا خواهند یافت و سلطنتی یهودی - داودی برقرار خواهند کرد که با تدابیر و امکانات خود به یهودیان با آن که اقلیتی ناچیز هستند امکان خواهد داد تا بر تمام جهان مستبدانه حکومت کنند و هیچ دینی، نه مسیحیت و نه اسلام، در کنار آیین یهودی - داودی باقی نخواهد ماند.»

متن پروتکل های یهود در اواخر قرن نوزدهم ، حدود ۱۱۷ سال پیش تنظیم و تدوین شد و اولین بار در سال ۱۸۹۷ در سوئیس قرائت گردید . در سال ۱۸۹۷ متن پروتکل به منظور قرائت در چند جلسه کنفرانس برای بحث و تصمیم گیری و تایید نهایی آماده شده بود که پلیس مخفی تزار روس به کنفرانس مزبور که به ریاست تئودر هرتزل در شهر بال برگزار شده بود ، حمله و ضمن بازداشت تئودور هرتزل و عده ای دیگر ، بخشی هایی از این پروتکل را بدست آورد.

این کتاب در تاریخ ۱۹۰۱ میلادی بدست « سرگی نیلوس» نویسنده و روحانی مسیحی روسی رسید و متن آن را از زبان عبری یا فرانسه به زبان روسیه ترجمه و در سال ۱۹۰۲ و به قولی ۱۹۰۵ میلادی منتشر کرد و نقشه ملت یهود که تا آن وقت زیر پرده بود، با تمام جزئیات، افشاء و آشکار نمود. این کتاب در شوروی

سابق چهار نوبت به چاپ رسید، چاپ آخرش در سال ۱۹۱۷ بود که پس از آن دولت وقت دستور جمع‌آوری کتاب و منع چاپ و نشر آن را صادر نمود.

در سال ۱۹۱۷ «ویکتور مارسدن» خبرنگار انگلیسی که همزمان با انقلاب بلشویکی برای روزنامه انگلیسی «مورنینگ پست» کار می‌کرد آن را به انگلیسی ترجمه نمود. آخرین چاپ این کتاب در غرب، در سال ۱۹۲۱ انجام گرفت و از آن به بعد هیچ مؤسسه و ناشری جرأت چاپ آن را نداشته، زیرا هرکس آن را چاپ، یا ترجمه می‌نمود سرانجام بدست یهود کشته می‌شد. این کتاب به زبان فارسی نیز ترجمه شده و چندین نوبت به چاپ رسیده است.

هنری فورد (بنیانگذار شرکت اتومبیل‌سازی فورد آمریکا) پروتکلها را در سال ۱۹۲۰ به صورت سلسله مقالاتی در روزنامه‌ای که به خود او تعلق داشت، به چاپ رساند. هدف او این بود که ملت آمریکا را از خطر شکل‌گیری امپراتوری یهود در این کشور آگاه سازد. فورد، پروتکل‌های دانشوران صهیون را برنامه اصلی یهود برای تسلط بر جهان می‌دانست و هشدار داد که یهود به حکومت آمریکا اکتفا نکرده و در صدد برپایی حکومت جهانی است.

هنری فورد در گفتگویی که در روز هفدهم فوریه ۱۹۲۱ در «نیویورک ورلد» به چاپ رسید، دعوی خود را علیه «پروتکل‌های صهیون» چنین بیان کرد: «تنها نکته‌ای که علاقمندم درباره پروتکلها بگویم این است که آنها با آنچه در حال وقوع است، تطبیق می‌کنند. از طرح پروتکلها شانزده سال می‌گذرد و آنها تاکنون با شرایط جهانی منطبق بوده‌اند.» فورد هنگامی این نکته را بیان داشت که رهبران یهود و مطبوعات یهودی در آمریکا علیه او جنجال به پا کرده و فریاد اعتراض سرداده بودند. هنری فورد پس از تحمل فشار و مشقت، که تنها یهودیت سازمان یافته از عهده طراحی و اعمال آن برمی‌آید، بالاخره ناچار شد در ۳۰ ژوئن سال ۱۹۲۷ در نامه‌ای خطاب به «لوییس مارشال» رهبر وقت «انجمن یهودیان آمریکا»، رسماً از یهود عذرخواهی کند. البته فورد در عذرخواهی خود و نه پس از آن، هیچگاه صدق پروتکلها و تحلیل‌های منتشره پیرامون آنها را تکذیب نکرد.

دستورالعمل‌های این پروتکل به دو دسته تقسیم می‌شوند. یک دسته مربوط به طرح‌ها و برنامه‌هایی است که یهود، قبل از برپایی حکومت جهانی خود برای نابودی کشورها و دولت‌ها به اجرا درمی‌آورد و دسته دیگر مربوط به برنامه‌هایی است که بعد از استقرار حکومت جهانی یهود، قرار است به اجرا

در آیند. بنابراین آنجا که سخن از ترویج «آزادیخواهی» و یا «آزادی مطبوعات» است، مربوط به برنامه ای است که از رهگذر آن، کشورها، دولت ها و ملت ها را دچار تفرقه، بی ثباتی و از هم پاشیدگی می کند اما آنجا که سخن از مبارزه با «آزادی» است، مربوط به زمانی است که حکومت جهانی بهبود برپا شده و برای استقرار و صلابت خود، هرگونه صدای مخالفی را خفه می کند. در این پروتکل از زبان صهیونیست ها آمده است: «پادشاه اخلاص گران، فتنه انگیزان و جلادان جهان ما هستیم.» در این کتاب راه تسلط بر جهان چنین توصیف شده است: «هدف واسطه را توجیه می کند و هرچه در راه رسیدن به هدف انجام دهیم خوب است. جوانان نصاری را به مواد مخدر معتاد کرده و به شکل کلاسیک آنها را منحرف سازیم. حیا، عفت و ناموس را به وسیله قهرمانان، آموزگاران و کلاً آموزش و پرورش از مغزها بیرون آورده که این چیزها در اجتماع مفهومی ندارد.... تا زمانی که افراد جوامع مختلف، مطابق الگو و انگاره های تربیتی ما دوباره تربیت نشوند، نمی توانیم برنامه هایمان را در این گونه جوامع مطابق با روشی کلی و یکسان پیاده کنیم؛ اما اگر برنامه ها را محتاطانه و توأم با آموزش آغاز کنیم، می توانیم در کمتر از یک دهه، منش، خلق و خوی سرسخت ترین افراد را تغییر داده و آنها را مانند افرادی که از پیش مطیع ساخته ایم، زیر سلطه خویش در آوریم. کلماتی چون آزادی، برابری و برادری در واقع اسم های مستعاری هستند که فراماسونرهای ما آنها را به کار می برند. هنگامی که حکومت شاهنشاهی ما آغاز گشت، این کلمات را از صورت استعاری بودن بیرون آورده و به صورت عبارات ایده آلی چون، حق آزادی، وظیفه برابری و آرمان برادری در می آوریم، بدین معنی ما غلط ترین کار را انجام می دهیم و به اصطلاح «با شاخ گاو در می افیم». ... بذر دشمنی، کینه توزی و حسد را در هر خانه ای کاشته و در این زمینه از تعصبات مذهبی، قبیله ای و غیره استفاده کنیم. در مملکتی که ما زندگی می کنیم هیچ موقع از طرف همسایگان علیه آن مملکت اعلان جنگ نخواهد شد، زیرا سیاست ما طوری است که هر دولتی صلاح خود را در کناره گیری از ستیزه جویی با ما می داند! خداوند ما را نابغه های جهان خلق کرده است، تا از عهده حکومت بر دنیا به خوبی بر آییم.... باید عقاید و آراء متضادی را در اجتماع ایجاد کنیم تا کسی نتواند، حق را از باطل تمیز دهد و خلاصه در پیچه فهم بر مردم بسته شود.... در اروپا و آسیا باید جنگ، فتنه و آشوب بپا کرد و این کار در حقیقت دو فایده دارد، یکی از بین رفتن آنها و دیگری تسلط ما بر آنها... برای آن که به هدف نهائی خود برسیم لازم است که اولاً افکار خود را به وسیله روزنامه ها به تمام مردم تزریق کنیم، تا

اگر دولت بخواهد با ما مبارزه کند آن را با عصای مخالفت با افکار عمومی تأدیب کنیم. ... برای آنکه مردم را مشغول کرده باشیم، هر روز مشکلات جدیدی برای آنها به وجود آورده تا آنها را از مذاکره در مسائل سیاسی باز داریم... هر روزه صفحه‌های جرائد و مجلات را از مسائل جنسی و یا مسابقات فوتبال، بسکتبال، کشتی آزاد... پر خواهیم کرد تا بدین وسیله مغز ملت را در تفکر به این مسابقات مشغول سازیم... در تمام کشورهای بزرگ، ما عقائد دینی را ریشه کن خواهیم کرد و مطالب مسموم خود را به وسیله نویسندگان عالی مقام همان کشورها تزریق مردم می‌نمائیم. »

سوال ۵: در رسانه ها به ویژه رسانه های آمریکایی واژه «صهیونیسم مسیحی» بسیار شنیده می شود. این واژه به چه معنا است و تاریخچه آن چیست ؟

پاسخ: شخصی به نام جان داربی «JOHN NELSON DARBI» که یک کشیش معروف انگلیسی بود برای اولین بار نظریه صهیونیسم مسیحی را به عنوان راهی برای عملی کردن خواسته های مسیح و تحقق پیشگویی های مسیح عنوان کرد. در آمریکا نیز دو کشیش برجسته پروتستان به نام های «دی . ال . مودی » و « ویلیام بلاکستون » ، مکتب نو ظهور صهیونیسم مسیحی را تبلیغ می کردند . که بلاکستون به عنوان پدر صهیونیسم مسیحی در ایالات متحده آمریکا معروف گردید .

این جریان نو ظهور در پروتستانیسیم که به عنوان صهیونیسم مسیحی شهرت یافت معتقد است که پیروان کلیسای پروتستان برای ظهور دوباره مسیح باید چند خواسته مسیح را که در تفاسیر انجیل در قرن بیستم به عنوان پیشگویی های انجیل بیان شده است را عملی کنند .

براساس اعتقادات این مکتب سیاسی - دینی نو ظهور حوادثی باید به وقوع بپیوندد تا حضرت مسیح (ع) دوباره ظهور کند و پیروان این مکتب وظیفه دارند تا برای تسریع در عملی شدن این حوادث کوشا باشند. از جمله حوادثی که باید عملی شود تا حضرت مسیح (ع) ظهور کند می توان به این مطلب اشاره کرد که یهودیان از سراسر جهان باید به فلسطین آورده شوند و کشور اسرائیل در گسترده ای از رودخانه نیل تا فرات بوجود آید و فقط صهیونیست هایی که به کشور اسرائیل مهاجرت می کنند اهل نجات خواهند بود . لذا تحت تاثیر تبلیغات مبلغانی چون بلاکستون که به مسیحیان وعده داده بود در سالی که

در فلسطین کشور صهیونیستی اسرائیل تاسیس شود مسیح(ع) دوباره ظهور خواهد کرد ، مهاجم دولت انگلیس و بعد ها آمریکا به این سرزمین آغاز شد . انگلیس در طی جنگ جهانی اول سرزمین فلسطین را که جزء قلمرو خلافت عثمانی بود را تصرف کرد . همچنین بالفور وزیر امور خارجه سابق انگلیس به یهودیان سراسر جهان تعهد داد که به آنان در مهاجرت یهودیان به فلسطین یاری دهد و در تشکیل کشور صهیونیستی کوشا باشد . آنان متعهدند یهودیان باید دو مسجد اقصی و صخره را منهدم کنند و به جای این دو مسجد مقدس مسلمانان ، معبدی بزرگ بنا نهند . به همین دلیل است که تا به حال این دو مسجد بار ها از سوی یهودیان و صهیونیست های مسیحی مورد حمله قرار گرفته است.

از دیگر اعتقاد های صهیونیست های مسیحی ، اعتقاد آنان به جنگی به نام آرامادگدون است . آنان بر این عقیده اند که روزی جنگ نهایی مقدس شروع خواهد شد و تمام مسیحیان پیرو عملی کردن خواسته های مسیح نجات خواهند یافت و ضد مسیح را در این جنگ شکست خواهند داد . آنان معتقد به حکومت جهانی مسیح هستند که در این حکومت جهانی به پایتختی بیت المقدس است که توسط آنان قبل از جنگ نهایی ساخته شده است.

از دیگر نکات جالب در بحث صهیونیسم مسیحی بی معنا بودن صلح در جهان قبل از ظهور مسیح است . آنان معتقدند برای تصریح در ظهور مسیح باید مقدمات جنگ نهایی را فراهم ساخت و در این بین نقش قابل توجهی برای دو دولت انگلیس و آمریکا قائل هستند . به طوری که رهبری جنگ آرامادگدون را از آن آمریکا و انگلیس می دانند . آنچه در نگاه اول به اعتقادات صهیونیسم مسیحی در ذهن تداعی می شود ارتباط عمیق غرب و صهیونیسم است به طوری که موجودیت اسرائیل با منافع غرب عجین شده است امروز به وضوح دیده می شود که تمامی رفتار و اعمال غرب در راستای تفکرات صهیونیستی است . ایجاد آشوب و جنگ در جهان توسط آمریکا و انگلیس ریشه در همین تفکرات دارد چرا که این آشوب را مقدمه ای برای ظهور مسیح می دانند که خود ریشه در اندیشه صهیونیسم دارد .

مبانی عقیدتی صهیونیسم مسیحی

۱. ایمان به بازگشت مسیح و مساله آخر الزمان به عنوان تنها راه حل ممکن برای اصلاح جامعه

۲. این گروه تجمع یهودیان ، تشکیل کشور اسرائیل ، بازسازی معابد قوم یهود و ... از پیش شرط های لازم برای بازگشت دوم حضرت مسیح عنوان می کنند .

۳. از دیدگاه آنان خداوند، سرزمین اسرائیل را به فرزندان اسحاق (یهودیان و مسیحیان) داده است و نه به اسماعیل و فرزندان او که مسلمانان هستند.

۴. برای بازگشت مسیح باید هفت مرحله زمانی سپری شود. اکنون در مرحله ششم هستیم که کلیسا نامیده می شود. مرحله هفتم آخر الزمان است که هفت سال طول می کشد.

وجود عناصر عبرانی و آموزه های تئوریک عهد عتیق در پروتستانیسم مسیحی که وجه تمایز بارز و شاخص مسیحیت کاتولیک و پروتستانیسم است این ظن و گمان را موجب گردیده که پروتستانیسم نوعی یهودی گری در مسیحیت بوده است. گفته می شود رهبران و بنیانگذاران پروتستانیسم خود به یهودی گری و یهودی بودن متهم اند.

نقش یهود و یهودی گری در پیدایش پروتستانیسم مسیحی غیر قابل انکار است آنان به شدت از پروتستانیسم مسیحی حمایت کردند. جریان صهیونیسم مسیحی در جهان غرب و کشورهای چو آلمان، انگلیس، کانادا، هلند و بخصوص در آمریکا ۳۶۰ میلیون پیرو دارد که بعضاً در تحقق اهدافشان بیشتر از خود صهیونیستهای یهودی تعصب و تلاش دارند. «آنها معتقدند که قبل از ظهور حضرت مسیح در آخرالزمان جنگی در صحرايي به نام «هارمجدون» به وقوع خواهد پیوست که شر و خیر مقابل هم می ایستند. آنها خود و یهودیان را خیر و دشمنانشان را شر می نامند. جالب است بدانید که دولت فعلی آمریکا از معتقدان افراطی به صهیونیسم است.»

صهیونیسم مسیحی به عنوان ایدئولوژی پروتستان های قرون میانه توسط پیوریتن ها که شاخه ای از فرقه پروتستان بودند صورت گرفت. ساختار هنجاری آنان مطابق با تورات است و به عنوان یهودی گری انگلیسی شناخته می شود. علت حمایت گروه های بنیاد گرای مسیحی از دولت یهودی تفاسیری است که از کتاب مقدس به عمل آورده اند است. جنگ آرامادون تنها و تنها پس از گردهمایی و استقرار یهودیان به عنوان یک ملی در ارض موعود به وقوع خواهد پیوست. جنگ آرامادون را زمینه ای برای ظهور مجدد مسیح می دانند.

صهیونیسم مسیحی ۷ مرحله را برای شروع جنگ و خاتمه آن قائل اند:

بازگشت یهودیان به فلسطین

ایجاد دولت یهود

موظف شدن انجیل به بنی اسرائیل و دیگر مردم دنیا

به بهشت رفتن کلیه کسانی که به کلیسا ایمان دارند

این مرحله که دوران فلاکت است ۷ سال به طول خواهد کشید. در این مرحله یهودیان و دیگر مومنان ظلم خواهند دید. اما سرانجام صالحان با پیروزی دجال به نبرد خواهند پرداخت.

وقوع جنگ آرماگدون

شکست لشکریان دجال و استقرار پادشاهی مسیح به پایتختی اورشلیم (بیت المقدس). این پادشاهی به وسیله یهودیان اداره می شود و بعد آنان به مسیح می پیوندند و یا مسیحی می شوند. آنان معتقدند که جنگ آرماگدون نبردی با سلاح های هسته ای خواهد بود.

پارادوکس های موجود

از طرفی آنان قبول دارند که یهودیان بندگان برگزیده خدا هستند و قبول دارند که آنان به عنوان یک واسطه در بازگشت مجدد مسیح عمل می کنند. اما معتقدند در صورتی که یهودیان پذیرای مسیح نباشند نمی توانند به بهشت بروند. حتی می گویند سرگردانی یهود در جهان و قتل عام آنان توسط نازی ها مجازاتی الهی و ناشی از ایمان نیاوردن یهودیان به مسیح و کشته شدن مسیح توسط آنان است. تاریخچه پیدایش صهیونیسم مسیحی در واقع به قبل از تشکیل دولت اسرائیل و حتی به قبل از ظهور و پیدایش یهودیان صهیونیسم باز می گردد.

صهیونیسم مسیحی در نهادینه شدن صهیونیسم در حاکمیت انگلیس و آمریکا نقش بزرگی را ایفا نموده است. به عقیده صهیونیسم مسیحی فعالیت های صلح طلبانه سازمان ملل و دبیر کل آن باعث کند شدن حرکت به سوی نبرد نهایی است. آنان معتقدند که باید مقدمات جنگ نهایی را فراهم کنند که از نظر آنان این جنگ یک جنگ هسته ای خواهد بود. ماهیت لشگری که قرار است در جنگ آرماگدون در برابر یهودیان و مسیحیان بجنگد مجموعه ای از ادیان در مشرق زمین است که که عمده ترین آن ها اسلام است.

جری فالول از سرشناس ترین سردمداران این جریان که از سالهای قبل تا به حال در شبکه های تلویزیونی به تبلیغ افکار گروه خود پرداخته است می گوید: من فکر می کنم محمد (ص) یک تروریست بود. من به اندازه کافی راجع به او که توسط مسلمانان و غیر مسلمانان نوشته شده مطالعه کرده ام و به این نتیجه رسیده ام که او انسانی خشن و جنگجو بوده در حالی که مسیح سرمشق محبت است همانطوری که موسی بود اما محمد الگوی مخالفت آنهاست. پاتریک رابرتسون نیز می گوید: خدای مسلمانان خدای خشونت طلب است. چاپ

کاریکاتور موهن در برخی کشور های اروپایی به بهانه آزادی بیان و هتک حرمت به ساحت مقدس رسول اکرم (ص) ناشی از همین تفکری است که در غرب رواج یافته است. بسیاری از حرکت های ضد اسلامی و آزار و اذیت مسلمانان در سطح بین الملل را می توان براساس این عقیده شوم تحلیل و تفسیر کرد.

سوال ۶: به نظر شما سرنوشت رژیم صهیونیستی چه خواهد شد؟ آیا این نظریه که این رژیم در معرض فروپاشی است درست است؟ مهمترین تهدیدهای فراروی این رژیم چیست؟

پاسخ: البته پاسخ به سوالی که خبر از آینده بدهد دشوار است چراکه آینده بستر تحول های بسیار است و نمی توان آینده را بطور دقیق پیش بینی کرد، بنابر این، صاحب نظران با بررسی نظرهای تحلیل گران و دولتمردان طرف های موضوع، داشته ها و حامیان طرفین، موقعیت های راهبردی و... به تحلیل و پیشی بینی آینده اقدام می کنند ما هم بر این اساس به پیش بینی آینده رژیم صهیونیستی می پردازیم.

رژیم صهیونیستی از دو بعد داخلی و بین المللی با مشکل روبروست:

الف - بعد داخلی:

۱. مهاجران یهودی: همانطور که می دانیم یهودیان بر اساس وعده هایی مبتنی بر زندگی بهتر و آسوده تر به این سرزمین کوچ داده شده اند اما سرزمینی که از لحاظ امنیتی با مشکل روبروست و ساکنان آن دایما شاهد عملیات شهادت طلبانه و یا موشک باران هستند، بخصوص که هیچ وابستگی تاریخی و ریشه ای به این سرزمین ندارند به هیچ وجه این وضعیت تحمل پذیر نخواهد بود، بنابر این رژیم صهیونیستی که هزینه های بسیاری برای کوچ دادن یهودیان سراسر دنیا به این سرزمین می کند با هر حمله موشکی یا حمله شهادت طلبانه و احيانا نبردی شاهد موج بازگشت یهودیان خواهد بود.

۲. شکاف های مردم سرزمین های اشغالی: وجود شکاف های طبقاتی به دلیل تفاوت های نژادی یکی از عوامل ویران کننده رژیم صهیونیستی است، در جامعه اسرائیل، سه شکاف اجتماعی عمده یهودیان سفاردی - اشکنازی، مذهبی ها - سکولارها و اعراب - یهودیان وجود دارد که ذیلا مختصری به این شکاف ها می پردازیم:

شکاف سفاردی - اشکنازی: امروزه واژه سفاردیم از نظر معنایی توسعه یافته

و تمامی جوامع یهودیان شمال آفریقا، عراق، سوریه، یونان، ترکیه، و سایر یهودیان (غیر اشکنازی) را شامل می شود... اشکنازی امروزه یهودیان آلمان، اروپای شرقی و شوروی را شامل می شود» بطور کلی یهودیان سفاردی را وابسته به فرهنگ و تمدن شرق و اشکنازی را غربی می دانند و همان نگاه غربی به شرقی در جهان امروز در نگاه اشکنازی‌ها که مقام‌های بالا را اشغال کرده‌اند نسبت به سفاردی‌ها که در پست‌های نازل‌تر هستند وجود دارد. «بطور کلی اشکنازی‌ها در پنج زمینه علیه سفاردی‌ها تبعیض قائل می‌شوند:

۱. اعمال سیاست‌های تبعیض آمیز علیه سفاردی‌های در زمینه اسکان، میزان بهره‌مندی از امکانات اعتبارات اجتماعی و...

۲. سیاست غربی کردن اسرائیل به مثابه کشور غربی که در آن روش‌ها، آداب و رسوم اشکنازی‌ها ترویج می‌شود محور رسم‌الخط عبری شرقی، از بین بردن شعر و ادبیات و نیز به فراموشی سپردن شاعران و ادبیات سفاردی در این سیاست قرار می‌گیرد.

۳. از نظر اقتصادی سیاست‌های کلی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که منجر به تقویت بنیان اقتصادی اشکنازی‌ها و فقر و بیکاری و ناامیدی سفاردی‌ها می‌شود.

نتیجه آن ایجاد دو طبقه فرادست و فرودست در میان جامعه یهودیان می‌باشد.

۴. از نظر سیاسی راه نیل به به مناصب عالی‌ه حکومتی برای سفاردی‌ها مسدود و یا حداقل همراه با دشواری‌های بسیاری است...

۵. در حوزه مسائل نظامی نیز اکثر مناصب مهم تحت کنترل اشکنازی‌ها قرار دارد و امور سخت و جانفرسای نظامی معمولاً به عهده یهودیان سفاردی است. اشکنازی‌ها به شیوه‌های دیگری نیز علیه سفاردی‌ها تبعیض قایل می‌شوند که نمونه‌هایی از آن عبارتند است از :

- جمع‌آوری کمک‌های مالی و تقسیم آن بین مهاجران اشکنازی
- تاسیس نهادهای ویژه اشکنازی که در راس آن‌ها سازمان صهیونیسم جهانی قرار دارد که متولی امور داخلی و خارجی اشکنازی‌های اسرائیل است.
- مقابله با گرایش‌هایی که تامین منافع یهودیان شرقی را دنبال می‌کند.
- هدایت تسهیلات مادی و معنوی در جامعه به سود اشکنازی‌ها.
- شکاف مذهبی - سکولار: دومین شکاف عمده در جامعه اسرائیل، شکاف میان مذهبی‌ها و سکولارهاست. سابقه اختلاف بین یهودیان سکولار و مذهبی به ریشه‌های جنبش صهیونیسم باز می‌گردد. قبل از تشکیل دولت اسرائیل، ایدئولوژی صهیونیسم به دو شاخه صهیونیسم سیاسی و صهیونیسم مذهبی منشعب شد.

صهیونیست‌های مذهبی هر چند که به مهاجرت به سرزمین خود یعنی کوه صهیون اعتقاد داشتند، ولی اعتقاد آن‌ها بر پایه انتظار بود. انتظار برای تحقق وعده الهی. اما صهیونیسم سیاسی بر آن بود که یهود خود این وعده را تحقق بخشند و نهایتاً حرکت برای تحقق این ایده به رهبری تئودور هرتزل منجر به تشکیل دولت اسرائیل در سرزمین فلسطین شد. صهیونیست‌های سکولار به کسانی اطلاق می‌شود که یهودیت را فقط به عنوان میراثی تاریخی - فرهنگی که باید مبنای قومیت مردم یهود قرار گیرد، تلقی می‌کنند. در واقع اکثر رهبران سیاسی صهیونیسم از این زمره‌اند و اعتقادی به دیانت یهود به عنوان آئینی که به صورت وی از جانب خدا به موسی ابلاغ شده باشد، ندارند... اختلاف نظر میان مذهبی‌ها و سکولارها هنگام بحث درباره تدوین قانون اساسی در روزهای نخستین پس از تشکیل اسرائیل کاملاً مشخص شد» که در شئونات حکومت اسرائیل و بین این دو طیف تا کنون ادامه یافته است، علاوه بر مسائل سیاسی و اجتماعی این اختلاف در مسائل اقتصادی بین یهودیان مذهبی - ارتدکس - و صهیونیست‌ها وجود دارد، در این باره «ارتدکس‌های مذهبی یهودی که حداقل سی درصد از جمعیت یهودی‌های سرزمین‌های اشغالی فلسطین را شامل می‌شوند، معتقدند که صهیونیست‌ها با حيله تورات را می‌خواهند تحریف کنند تا آنچه برای بقایشان سودمند است انجام شود نه آنچه حکم دین یهود است. یهودی‌های ارتدکس که در تضاد با یهودی‌های صهیونیست در سرزمین‌های اشغالی هر روز در جامعه خودشان قدرت بیشتری پیدا می‌کنند، معتقدند نباید احکام دینی یهود را فدای ساختن اقتصاد کرد.»

شکاف اعراب و یهودیان: سومین شکاف عمده در اسرائیل شکاف میان یهودیان و اعراب است. هنگامی که اسرائیل در سال ۱۹۴۸ تشکیل شد، ۱۵۰ هزار نفر از اعراب فلسطینی در محدوده‌ای که امروزه به منطقه اشغالی ۱۹۴۸ معروف است، باقی ماندند. بر اساس آمار اعلام شده از سوی منابع و مراکز اسرائیل، تعداد جمعی اعراب منطقه اشغالی ۱۹۴۸ در سال ۲۰۰۵، یک میلیون و ۳۶۲ هزار نفر اعلام گردید و پیش بینی می‌شود در سال ۲۰۲۰ به ۲ میلیون و ۹۱ هزار نفر بالغ گردد... با توجه به اینکه اعراب حدود ۲۰ درصد جامعه اسرائیل را تشکیل می‌دهند، اما این اقلیت بزرگ هنوز در جامعه اسرائیل هضم نشده است. یوزی دایان، رئیس سابق شورای امنیت ملی اسرائیل در سال ۲۰۰۳ در گزارشی اعلام کرد که شکاف میان یهودیان و اعراب ساکن مناطق اشغالی هر روز بیشتر می‌شود. به گفته او پر کردن این شکاف با توجه به افزایش شدید جمعیت اعراب باید به یکی از اولویت‌های ملی اسرائیل تبدیل شود.» سران

رژیم صهیونیستی از وجود اعراب فلسطینی در اسرائیل بسیار بیمناک هستند چراکه هنوز نتوانسته‌اند این فلسطینیان را در خود هضم کنند تا آنها خود را به عنوان شهروند اسرائیلی بشناسند، آنها بارها در مورد اخراج فلسطینیان این منطقه، موضع گیری کرده‌اند، چراکه ضمن اینکه سرزمین‌های اشغالی را فقط مخصوص صهیونیست‌ها می‌دانند، علیرغم همه تلاش‌ها همچنان فلسطینیان این منطقه تهدیدی جدی برای امنیت رژیم اسرائیل محسوب می‌شوند. این موضوع باید مد نظر قرار گیرد که اختلاف‌های موجود در جامعه صهیونیستی، ریشه در باورهای یهودیان دارد که این رژیم را از داخل به شدت ضربه پذیر و متزلزل کرده است. جامعه‌ای که مردم آن از تبعیض رنج ببرند حتما جامعه‌ای نخواهد بود که توان مقاومت در برابر فشارهای داخلی و بین‌المللی را داشته باشد و همه فشارها روی دولت خواهد بود. اختلاف بین سفاردی‌ها و اشکنازی‌ها، مذهبی‌ها و سکولارها و بویژه یهودیان و اعرابی که ضمن تحمل فشارهای بسیار تبدیل به شهروند درجهٔ سه (بعد از سفاردی‌ها و اشکنازی‌ها) در جامعه یهودی! شده‌اند در حالی که دولت رژیم صهیونیستی یهودی است و به هیچ عنوان اعراب مسیحی و مسلمان را در خود نمی‌پذیرد و هنوز باور اشغال سرزمین فلسطین در اعراب این سرزمین وجود دارد جامعه اسرائیل را از داخل شکننده و آسیب پذیر کرده است.

ب- بعد خارجی:

۱. کاهش حمایت‌های خارجی: در بعد منطقه‌ای و بین‌المللی نیز کاهش جایگاه این رژیم به دلیل ادامه سیاست اشغال و سرکوب و صدور قطعنامه‌های مختلف علیه آن گویای شکست سیاست‌های این رژیم در ابعاد بین‌المللی جهت همراه نمودن سایر کشورها با خود می‌باشد.
۲. عدم پذیرش از سوی کشورهای منطقه: رژیم صهیونیستی عنصر نامشروع در منطقه شناخته شده است بعضی کشورها چون ایران و سوریه این کشور را به رسمیت نشناخته‌اند و دولت‌های عربی که تمایل به سازش دارند نمی‌توانند افکار عمومی خود را نادیده بگیرند و با این رژیم ارتباط دائم و مستمر برقرار کنند، این رژیم برای ایجاد ثبات داخلی و ادامه اشغالگری ناچار از برخورد با ملت فلسطین است، موضوعی که مانع ایجاد ارتباط دائمی بین این رژیم و کشورهای منطقه‌ای است که مایل به ارتباط با این رژیم هستند.
۳. احتمال حمله خارجی: رژیم صهیونیستی به دلیل نامشروع بودن حضورش در منطقه، اشغال سرزمین‌های فلسطین و کشورهای همسایه فلسطین کشتار

مردم بی دفاع فلسطین و در فشار قرار دادن مردم تحت اشغال در سرزمین های همسایه، همواره این احتمال را می دهد که از سوی این کشورها و حامیان آنها مورد حمله قرار بگیرد، این واژه به جامعه تزریق شده است و جنگ ۳۳ روزه و شکست در برابر یک گروه مقاومت با سلاح های محدود، احساس امنیت را به شدت پائین آورده و این وحشت را دو چندان کرده است چراکه امید به رویارویی در برابر رژیم صهیونیستی که معروف به ارتش شکست ناپذیر بود زنده شد.

ترس از جنگ علاوه بر صدمه ای که به اقتصاد و سرمایه گذاری و صنایع مختلف یک کشور وارد می کند در رژیم صهیونیستی صدمه ای جدی تر به نام کوچ معکوس را ایجاد می کند. همانطور که بیان شد این رژیم با هزینه های بسیار و با شعار زندگی آسوده و راحت اقدام به کوچ یهودیان سراسر دنیا به این سرزمین می کند، در حالی که این تهدیدها علاوه بر حملات شهادت طلبانه و حمله های موشکی گروه های مقاومت فلسطینی باعث کاهش کوچ یهودیان به فلسطین شده است. به این موضوع باید نبود عمق استراتژیک سرزمین های اشغالی را اضافه کرد. مساحت این سرزمین ها برابر نیمی از مساحت تهران است که این خود معضلی بزرگ برای رژیم صهیونیستی در احتمال جنگ با کشورهای منطقه خواهد بود.

بنابراین در یک جمع بندی از آینده وضعیت فلسطین و اسرائیل باید گفت که آینده رژیم صهیونیستی با چنین وضعیتی رو به اضمحلال است؛ چراکه از داخل با تبعیض هایی که روا می دارد پوسیده شده است و در بعد بین المللی همواره با تهدیدهایی روبروست، تهدیدهایی که در هر صورتی منجر به جنگ شود این رژیم را از هم خواهد پاشید.

رژیم صهیونیستی نمی تواند به خود بقبولاند که میان سفاردی ها و اشکنازی ها تفاوتی قایل نشود چراکه این موضوع ریشه در باورهای اشکنازی ها دارد که در راس امور رژیم صهیونیستی هستند و همچنین نمی تواند اعراب را در خود هضم کند چراکه این رژیم مبتنی بر نژاد پرستی تاسیس شده است و اگر هم با اعراب کنار بیاید و کاری با آنها نداشته باشد تا سال های نه چندان دور شاهد این خواهد بود که اعراب سرزمین های اشغالی جمعیتی بیش از یهودیان دارند، اگر با آن ها برخورد نظامی داشته باشد زیر ذره بین نظارت کشورهای منطقه با مشکل برخورد خورد و از نظر بین المللی هم با افکار عمومی دنیا مواجه خواهد شد.

اگر با گروه ها و کشورهای منطقه وارد جنگ شود نتیجه ای جز شکست نخواهد

داشت و راهی هم برای دوستی وجود ندارد. تنها راه برای این رژیم این است که با همکاری سازشگران داخل مرزها و خارجی کانون های مقاومت را از بین ببرد، اقدامی که در لبنان و غزه به شکست انجامید و با ایجاد بلوک سازش در داخل فلسطین و سران عربی به شدت دنبال می شود.

سوال ۷: چرا موضوع فلسطین و لبنان برای جمهوری اسلامی ایران این قدر مهم و دارای راهبرد امنیتی است؟

پاسخ: موضوع فلسطین و لبنان برای ایران از دو بعد اهمیت بسیاری دارد: نخست از جنبه الهی و اسلامی که به حکم فطرت الهی موظف به پشتیبانی از مظلومان در برابر ظالمان هستیم، صرف نظر از اینکه مظلوم یا ظالم مسلمان باشد یا نباشد و به عنوان مسلمان وظیفه شرعی مان ایجاب می کند که از کیان اسلامی مان حمایت کنیم بویژه فلسطین و بیتالمقدس که از لحاظ فرهنگی، تاریخی و سیاسی جزء جدایی ناپذیر دین ماست، در قرآن و روایات ائمه معصومین، حمایت و یاری رساندن به مظلومین جهان بسیار سفارش شده است، ضمن اینکه « قدس در مفاهیم دینی اسلام اهمیت بسزایی دارد. این اهمیت به این جهت است که بیتالمقدس نخستین قبله امت اسلام و یکی از سه مکان مقدس اسلامی پس از بیت الله الحرام در مکه و مسجدالنبی در مدینه است. قدس سرزمین اسراء و معراج است و این مسأله که چرا پیامبر (ص) از مکه به معراج نرفت بلکه از مکه به بیت المقدس و پس از آن به معراج رفت، نشان دهنده جایگاه خاصی است که این شهر در تفکر اسلامی دارد. در این شهر نمادهای اسلامی بسیاری چون مسجد الاقصی، مسجد قبه الصخره، دیوار بُراق و غیره که همه از نمادهای اسلامی است وجود دارد. این شهر سرزمین انبیاء است. با این همه تاریخ پرشکوه دینی اسلام، شایسته نیست که امت اسلام در مقابل اشغال این سرزمین به دست کفار صهیونیست واکنش مثبت و عملی از خود نشان ندهد.»

ملت ما مذهب اهل بیت را برگزیده و خود را شیعه امیرالمؤمنین علی (ع) میداند که سمبل عدالت است و شهادت آن حضرت به خاطر همین ارزش والای بشری بوده است و قطعاً ملتی که افتخار پیروی از امام عدل را دارد به خود اجازه نخواهد داد که در مقابل این همه بیعدالتی بیتفاوتی را پیشه کند همان ملتی که مهمترین الگوی خود را از امام حسین (ع) و نهضت کربلا بر گرفته است و همواره ایستادگی در مقابل ظالم و دستگیری از مظلوم را گزینه

خود قرار داده است، بعید است که در مقابل جنایات رژیم اشغالگر قبله‌گاه اول مسلمین بویژه در زمانی که دنیای استکبار با تمام قوا از اسرائیل حمایت میکند، سکوت اختیار کند.

و دوم از بابت راهبرد نظام اسلامی ایران است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «بعضی‌ها می‌گویند مشکل ما این است که خودمان را با اسرائیل درانداخته ایم، درحالی که مسئله این نیست که ما خودمان را درانداخته ایم، اسرائیل مدعی کل خاورمیانه از نیل تا فرات است. فراتی که در فاصله کوتاهی از مرز ما قرار دارد. امروز که عراق به تصرف آمریکا درآمده است، اسرائیلی‌ها با تمام سرعت در حال محکم کردن جای پای خود در عراق و به خصوص شمال آن کشور هستند. اگر ما تصور می‌کنیم که دست برداشتن از مقاومت، مشکل ما را حل می‌کند درست نیست. می‌گویند ما را چه به فلسطینی‌ها و اعراب، ما ایرانی هستیم، چرا سرنوشت خودمان را به آنها گره زده ایم. این حرف‌ها درست نیست. زیرا سرنوشت کشورهای منطقه به یکدیگر گره خورده است. هر شکستی که در منطقه و مجموعه کشورهای مسلمان به وجود آید بقیه کشورها نیز از آن آسیب می‌بینند.»

مثلا پس از اشغال عراق رسانه‌های صهیونیستی همچون «هآرتص» و «معارو» با اشاره به اسناد موجود (و احتمالا موهوم) مدعی هستند که پیشینیان یهود در پنج قرن گذشته، موجب آبادانی مناطقی از آسیا شده و این مناطق هم‌اکنون در حوزه کردستان است و باید مالکیت آن به مالکان اصلی، یعنی نوادگان آنها که هم‌اکنون در اسرائیل هستند، بازگردانده شود... بر اساس این ادعا بخشی از شمال عراق، غرب ایران، جنوب ترکیه و بخشی از خاک سوریه که کرد نشین هستند، مال اسرائیل است!؟

تاریخ و اندیشه صهیونیسم گویای این مطلب است که اسرائیل در تکاپوی تسلط بر نیل تا فرات است. طبق نقشه از پیش تعیین شده آمریکا عراق را اشغال می‌کند تا اهداف صهیونیسم را جامع عمل ببوشاند، از جمله اخباری در مورد نفوذ صهیونیسم در عراق در رسانه‌ها آمد که قابل توجه است به این گزارش توجه کنید «عملیات چند منظوره‌ای که صهیونیست‌ها در عراق به راه انداخته‌اند تدریجا ابعاد گسترده‌ای را به خود می‌گیرد و حتی در بعضی موارد بطور آشکار در حال انجام است. این عملیات در ابعاد نظامی - امنیتی اقتصادی نفتی پیمانکاری و تجاری در مقیاس وسیعی صورت می‌گیرد و شرکت‌های صهیونیستی عموماً بعنوان کارگزار شرکت‌های آمریکائی به اجرای نقش و ماموریتی می‌پردازند که براساس دستورالعمل‌های تنظیمی توسط اشغالگران

به آنها محول گردیده است. علاوه بر این شرکتهای صهیونیستی از این فرصت طلائی برای حضور مستقیم و بدون واسطه در عراق نیز بهره مند شده اند و از این طریق به انجام عملیات بانکی حمل و نقل جاده ای و خرید زمین و املاک مسکونی - تجاری - کشاورزی و نفتی سرگرمند...» این اقدام ممکن است در هر منطقه از خاورمیانه اتفاق بیافتد، نقشه‌های شوم رژیم صهیونیستی برای تسلط بر راهبردی‌ترین منطقه جهان یعنی خاورمیانه به کمک استکبار جهانی از سالها پیش طرح‌ریزی و آغاز شده است، در صورت سستی و اهمال امت و سران دولت‌های اسلامی اگر امروز نباشد حتما فردا اتفاق خواهد افتاد که «ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» - خداوند وضع هیچ ملتی را عوض نمی‌کند تا که خودشان تغییری در خود ایجاد کنند».

اسرائیل محصول غرب استعمارگر و همپیمان با اوست و حضور این رژیم در منطقه (با اعتقادهای خرافی که دارند و در بخش دوم آورده شده است) سرآغاز استعمار دوباره مردم منطقه است، آنهم از نوع استعماری که قصد از بین بردن اعتقادهای دینی مردم منطقه برای چپاول بیشتر آن‌ها را دارد. هر استعمارگری برای بهره‌کشی بیشتر از مستعمره‌های خود، تمامی ارزشهای دینی و فرهنگی که روح زندگی و حرکت را به مردم می‌دهد را از آنان می‌گیرد، درست همان کاری که سال‌هاست با مردم منطقه خاورمیانه کرده‌اند که بالاترین استعدادها و اعتقادات و منابع طبیعی را دارند.

خوب است بدانیم که وجود اسرائیل چه بحرانهایی را در منطقه بوجود آورده است و ایجاد خواهد کرد، وجود اسرائیل بهانه‌های برای مسابقه تسلیحاتی در منطقه است که سود سرشاری نصیب غرب میکند و به این وسیله کشورهای اسلامی از هزینه کردن برای توسعه و پیشرفت خود باز می‌مانند. راهبرد اسرائیل استمرار و گسترش اشغالگری برای تحقق شعار از نیل تا فرات و تسلط بر جهان است. برای تحقق این هدف دائماً در کشورهای اسلامی ایجاد اختلاف می‌کند تا با پرداختن به امور داخلی خود از امور ملت فلسطین بازمانند، درست همان مسئله‌های که در لبنان به وضوح می‌بینیم.

انقلاب اسلامی ایران که مبتنی بر آموزه‌های غنی دینی و باعث بیداری در جهان اسلام است، خطر بزرگی برای صهیونیسم جهانی است، لذا از هر حربی برای بازداشتن ایران از نیل به توسعه و پیشرفت در سایه حکومت اسلامی بهره می‌برند. آنها با دست‌نشانندگان خود و برخی سران عربی که ماهیت پستشان در اطاعت از غرب و مانع تراشی در ایجاد امت واحده اسلامی روز به روز نمایان تر می‌شود، با طرح شعارهای موهومی که مانند هلال شیعی و اختلافات مذهبی

به دنبال ایجاد شکاف در امت اسلامی و تغییر دشمنی اسرائیل - اسلام به سنی - شیعه هستند. بنابراین پافشاری دولتمردان و ملت ایران در مسئله فلسطین که هم مذهب ما نیستند به جلوگیری از تفرقه در جهان اسلام کمک شایانی کرده است و نیز مانع بزرگی برای تحقق اهداف شوم رژیم صهیونیستی خواهد شد. پس ما ایرانیان که با انقلاب اسلامی باعث بیداری جهان اسلام شده‌ایم و دارای آرمان بزرگ هستیم نباید این اجازه را به جهان استعمارگر بدهیم که ذره‌ای از خاک منطقه را در اشغال خود درآورد. بنابراین حمایت از مردم مظلوم فلسطین از دو بعد دینی و راهبردی برای ما اهمیت دارد.

ارزیابی مهمترین دستاوردهای نامگذاری روز جهانی قدس توسط امام خمینی(ره)

پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی(ره)، یکی از مهمترین تحولات جهانی و منطقه در قرن بیستم به حساب می‌آید. ماهیت ایدئولوژیک و هویت اسلامی انقلاب ایران باعث شد تا نظام برگرفته از آن دارای ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی باشد که در ابعاد بین‌المللی، از دیگر انقلاب‌ها و نظام‌های سیاسی جهان متمایز و تاثیرگذاری آن نیز بر دیگر ملل جهان بویژه مردم مسلمان منطقه از یک سو و نیز بر سیاست‌های نظام سلطه جهانی از سوی دیگر، کاملاً چشمگیر باشد. پیروزی انقلاب اسلامی ایران تاثیر بسزایی در بیداری اسلامی و تقویت روحیه مبارزان فلسطینی داشت. انقلاب اسلامی ایران علاوه بر آنکه توانست الگوی مناسبی جهت شکل‌گیری حکومت‌های اسلامی ارائه دهد، باعث تغییر و تحول در ایدئولوژی جنبش‌های مبارزاتی به خصوص در سرزمین فلسطین گردید، به گونه‌ای که رهبران این جنبش‌ها به این مسئله اذعان دارند که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران توانست تحول بزرگی در روش مبارزاتی آنان و شکل‌گیری جنبش‌های جدید و بوجود آمدن پیش زمینه‌هایی جهت برقراری یک نظام حکومتی با زیرساخت‌های اسلامی ایجاد نماید.

انقلاب اسلامی ایران تاثیر عمیقی بر ملت مسلمان فلسطین در زمینه بازگشت به آموزه‌های دینی، امیدوار شدن به توانایی‌های خود، الگو قرار دادن نظام

اسلامی توسط مبارزان فلسطینی، انتخاب مسجد به عنوان پایگاه اصلی مبارزه با دشمنان، سامان دادن وحدت بر محور اسلام و شکل‌گیری گروه‌های جهادی (چون حماس و جهاد اسلامی) به جای گذاشته است که انتفاضه، محصول محوری تأثیرپذیری مبارزات ملت فلسطین از انقلاب اسلامی است. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، این امید را در دل مبارزان فلسطینی زنده کرد که می‌توان با بهره‌برداری از اسلام و تعالیم آن و با تکیه بر انگیزه و ایمان قوی اسلامی، فصل جدیدی در مبارزه با رژیم صهیونیستی آغاز کرد.

امام و مسئله فلسطین

اندیشه مبارزه با صهیونیزم و علی‌الخصوص اسرائیل غاصب یکی از پایه‌های اساس اندیشه‌های حضرت امام (ره) بود، اگرچه در این میان نمی‌توان نقش مرحوم آیت‌الله کاشانی را نیز انکار کرد چرا که اولین سخنرانی بر ضد صهیونیزم و اسرائیل در ایران در سال ۱۳۲۷ توسط ایشان انجام گرفت و نیز ایشان توانستند اولین تظاهرات مردمی بر ضد اسرائیل را در ایران در همان سال سازماندهی کنند.

امام با الهام از دیدگاه‌های ایشان و با احساس مسئولیتی که در قبال جهان اسلام داشتند پا جای پای آیت‌الله کاشانی گذاشته و در واقع می‌توان امام را پرچمدار مبارزه با صهیونیزم در ایران پس از رحلت آیت‌الله کاشانی دانست. اولین موضع رسمی امام در قبال اسرائیل مقارن با آغاز مبارزات سیاسی وی با رژیم پهلوی در ارتباط با عدم هم‌سوئی این رژیم با تحریم نفتی اسرائیل و قطع روابط دیپلماتیک همگام با کشورهای اسلامی و عربی بود که این امر به واسطه سال ۱۳۴۱ برمی‌گردد.

امام در مصاحبه‌ای در این باره چنین فرمودند: «یکی از جهاتی که ما را در مقابل شاه قرار داده است، کمک او به اسرائیل است. من همیشه در مطالبه گفته‌ام که شاه از همان اول که اسرائیل به وجود آمد، با او همکاری کرده، و وقتی که جنگ بین اسرائیل و مسلمانان به اوج خود رسیده بود، شاه همچنین نفت مسلمین را غصب کرده، به اسرائیل می‌داد و این امر خود از عوامل مخالفت من با شاه بوده است.» در واقع باید اذعان داشت امام در بعد داخلی مبارزه با استبداد پهلوی را سرلوحه خویش قرار داده بودند و در بعد خارجی دغدغه فلسطین و آرمان فلسطین اولوین اول سیاست خارجی امام را شکل می‌داد.

امام خمینی (ره) اولین مرجع تقلید و پیشوای بزرگ مذهبی بود که مجوز

حمایت از مبارزان فلسطینی از محل وجوهات شرعی و زکات و صدقات را صادر کرد و در جریان جنایت رژیم اشغالگر قدس در به آتش کشیدن مسجدالاقصی برخلاف مشی دیگران که بازسازی مسجد را وجهه همت خود قرار داده بودند، با دوراندیشی تمام بر حفظ آثار جنایت اسراییل (به عنوان عامل سمبلیک در جهت تحریک و تشویق مسلمانان بر علیه رژیم اشغالگر) تأکید می نمودند. ایشان از همان آغاز، وجهه اسلامی و بُعد اعتقادی مبارزه با اسراییل را کارسازترین روش برای بسیج ملت مظلوم فلسطین و جلب حمایت امت اسلام از آنان معرفی کرد و اتخاذ مشی های دیگری، همچون، تکیه بر قومیت عربی و نگرش های ناسیونالیستی و دیگر ایدئولوژی های وارداتی و غیراسلامی را انحراف در مسیر مبارزه برای آزادی می دانست.

ایشان به مشکلات درونی جهان اسلام و از جمله ضعف و ناتوانی یا وابستگی بعضی از سران کشورهای اسلامی وقوف کامل داشت، به همین دلیل بر آگاهی و شعور عمومی جهان اسلام، منبعث از اصول اعتقادی و مشترکات ایمانی و فرهنگی امت و پرهیز از اختلافات فرقه ای تأکید می نمود و سران دولت های اسلامی را به متابعت از این جریان فرا می خواند و معتقد بود که دولت ها تا آنجا که با این شعور و خواست عمومی مسلمانان همسو و همراه باشند، شأن رهبری و مسئولیت هدایت مبارزه را عهده دار خواهند بود و الا ملت های مسلمان می بایست با آنان همان کنند که ملت مسلمان ایران با شاه کرد.

درک ماهیت طرح استعماری

امام خمینی (ره) در پاسخ به نامه دانشجویان مسلمانان مقیم آمریکا و کانادا در سال ۱۳۵۱ می فرماید: «اسراییل با تبانی و همفکری دولت های استعماری غرب و شرق، زاینده شد و برای سرکوبی و استعمار ملل اسلامی به وجود آمد و امروز از طرف همه استعمارگران حمایت و پشتیبانی می شود.»

حضرت امام بارها خطر توسعه طلبی اسراییل را گوشزد کرده و خاطر نشان می ساختند: «همه باید بدانند که هدف دولت های بزرگ از ایجاد اسراییل تنها با اشغال فلسطین پایان نمی پذیرد آنها در این نقشه اند که پناه بر خدا تمامی کشورهای عربی را به همان سرنوشت فلسطین دچار کنند.»

و همچنین فرموده اند: «اگر ملت اسلام بیدار نشوند و به وظایف خود آگاه نگردند، اگر علمای اسلام احساس مسئولیت نکنند و به پا نخیزند، اگر اسلام واقعی که عامل وحدت و تحرک کلیه فرق مسلمانان در مقابل بیگانگان است و ضامن سیادت و استقلال ملل مسلمان و کشورهای اسلامی می باشد به دست

عوامل و ایادی اجانب و در زیر پرده سیاه استعماری افروخته گردد، روزهای سیاهت ر و نکبت بارتوری برای جامعه‌های اسلامی در پیش است و خطر ویران‌کننده‌ای متوجه اساس اسلام و احکام قرآن است. «حضرت امام اینها را عوامل اساسی تسلط بر سرزمین‌های مقدس اسلامی و انحطاط جامعه بزرگ مسلمانان دانسته‌اند.

ایشان بارها می‌فرمودند: "من طرفداری از طرح استقلال و شناسائی او را برای مسلمانان یک فاجعه و برای دولتهای اسلامی یک انفجار می‌دانم و مخالفت با آنرا یک فریضه بزرگ اسلام می‌شمارم و به خداوند بزرگ از این نقشه‌ها که به دست مسلمان نماها برای اسلام کشیده می‌شود پناه می‌برم" یا خود درباره سابقه مبارزه با اسرائیل در سال ۱۳۶۱ می‌فرمایند: «بیشتر از بیست سال است که صحبت‌های ما همیشه راجع به این بود که اسرائیل نباید که یک کشور مستقلی باشد و باید این ظالم را از این دنیا برداشت، خطر دارد، خطرناک است.» آری ایشان مبارزه با اسرائیل را وظیفه‌ای شرعی می‌دانستند و اساس آنرا بر قاعده نفی سبیل بنا کرده بودند و همواره صرف مقداری از زکاه و سهم امام را برای اختصاص به مبارزان فلسطینی را جایز می‌دانستند و با تمام وجود از آرمان فلسطین دفاع می‌کردند.

امام برای مبارزه با اسرائیل از همه ظرفیت‌های موجود بهره می‌بردند و نه تنها در این رابطه به ملت‌ها آگاهی می‌دادند بلکه با دولتها هم با زبان اقناع و هم تهدید سخن می‌گفتند. در جایی از زبان نصیحت استفاده می‌کردند و می‌گفتند: "من به سران فلسطینی نصیحت می‌کنم که دست از رفت و آمدهای خودشان برداشته و با اتکا به خداوند متعال، مردم فلسطین و اسلحه خویش تا حد مرگ با اسرائیل بستیزند، چراکه این رفت و آمدها موجب می‌شود که ملت‌های مبارز از شما دلسرد شوند. شما اطمینان داشته باشید که نه شرق به درد شما می‌خورد و نه غرب. با ایمان بر خدا و تکیه بر سلاح با اسرائیل بجنگید." و آنجا که از شدت گرفتن برخی دول اسلامی با اسرائیل نگران می‌شدند از زبان تهدید علیه آنها استفاده می‌کردند که شاهد این مثال تهدید کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس است. در واقع می‌توان دیدگاه امام را در باره صهیونیسم و اسرائیل به اختصار بدینگونه بیان داشت، از نظر ایشان اسرائیل مثل غده سرطانی می‌ماند که اگر آنرا ریشه کن نکنیم باعث مرگ آرام و خاموش جهان اسلام می‌گردد، هرگونه رابطه با آن حرام است، اندیشه صهیونیسم نژادپرستانه و ضد اسلام و انسان است، اسرائیل نوک پیکان مبارزه غرب با اسلام است، این جنگ نبرد بین اعراب و اسرائیل نیست بلکه نبرد بین اسلام و صهیونیسم و غرب

است، اسرائیل از طریق توسل به ابرقدرتها روی پای خود ایستاده اما باید با اتکا به خداوند و نیروی خود آنرا شکست دهیم، صهیونیسم از طریق ایجاد شبکه های مخفی و فرقه سازی در جهان اسلام مشغول غارت و چپاول ثروتهای منطقه است هم ثروتهای مادی و هم معنوی، تنها راه شکست آن بازگشت به خویشتن و هویت اصیل اسلامی است، به رسمیت شناختن اصل جهاد قبل از تاسیس حکومت اسلامی که برخلاف اندیشه سنتی اخوان المسلمین بود، تعلق داشتن بیت المقدس به مسلمانان و ضرورت محو نمودن اسرائیل از صحنه روزگار و تاکید بر این نکته که حساب یود از صهیونیسم جداست.

امام خمینی و پیام های نامگذاری روز جهانی قدس

نهضت جهانی اسلام و مساله نجات فلسطین از چنگال صهیونیسم و حامیان آن برای امام خمینی به قدری اهمیت داشت که ایشان در همان ماه های اول پیروزی انقلاب اسلامی و درحالی که هنوز از تولد انقلاب اسلامی شش ماه نگذشته بود در تاریخ ۱۶ مرداد ماه ۱۳۵۸ هـ ش آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را به عنوان روز جهانی قدس اعلام کردند و طی پیامی به عموم ملل مسلمان چنین فرمودند:

بسم الله الرحمن الرحيم. من در طی سالیان دراز خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمین نمودم که اکنون این روزها به حملات وحشیانه خود به برادران و خواهران فلسطینی شدت بخشیده است و بویژه در جنوب لبنان به قصد نابودی مبارزان فلسطینی پیاپی خانه و کاشانه ایشان را بمباران می کند. من از عموم مسلمانان جهان و دولت های اسلامی می خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن به هم بپیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد به عنوان روز قدس انتخاب و طی مراسمی همبستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند. از خداوند متعال پیروزی مسلمانان را بر اهل کفر خواستارم (صحیفه امام جلد ۹ ص ۲۶۷)

اعلام روز جهانی قدس در روزها و ماه هایی صورت گرفت که انقلاب اسلامی در داخل ایران با مشکلات فراوان و سهمگینی دست و پنجه نرم می کرد و رهبران انقلابی مشغول مقابله با انواع توطئه هایی بودند که از سوی دشمنان داخلی و خارجی و عوامل آن ها بر نظام اسلامی تحمیل شده بود. بنابر این اعلام روز جهانی قدس در چنین اوضاع و احوال بیان گر وجه دیگری از اهمیت

مساله نجات فلسطین و نهضت جهانی اسلام در نگاه امام خمینی است. گرچه سبب و هدف اصلی اعلام روز جهانی قدس متمرکز کردن مجموع توان فرهنگی تبلیغاتی سیاسی اقتصادی روانی و نظامی جهان اسلام برای نجات فلسطین از چنگال صهیونیسم می باشد ولی روز قدس نمادی برای آزادی همه سرزمین های اسلامی از چنگال دشمنان است بنابر این وقتی می گوئیم روز قدس یعنی روز همه سرزمین های اسلامی و روز همه سرزمین های مسلمان نشین که در چنگال دشمنان اسلام قرار دارند. به عبارت دیگر اعلام روز قدس تنها به این مفهوم و برای این هدف نیست که به مسلمانان تاکید شود که تمام توان فرهنگی تبلیغاتی سیاسی اقتصادی روانی و نظامی خود در راه آزادی فلسطین به کار گیرند بلکه هدف جامع تری که آزادی قدس نیز در درون آن قرار می گیرد این است که مسلمانان با تمام توان در راه آزادی و نجات همه سرزمین های اسلامی بکوشند و اجازه ندهند حتی یک وجب از خاک مسلمانان در دست بیگانگان باقی بماند. بالاتر از این حتی آزاد ساختن سرزمین های اسلامی از سیطره عوامل مزدور و عواملی که در ظاهر لباس خودی و لباس مسلمانی پوشیده اند ولی در عمل و در باطن در جرگه دشمنان اسلام قرار دارند نیز در چشم انداز و دایره شمول روز جهانی قدس قرار می گیرد و به همین دلیل است که امام خمینی می فرماید: روز قدس یک روز جهانی است روزی نیست که فقط اختصاص به قدس داشته باشد روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است روز مقابله ملت هایی است که در زیر فشار ظلم آمریکا و غیر آمریکا هستند. روز قدس روزی است که باید این دنباله روهای رژیم سابق در ایران (رژیم های وابسته به آمریکا و سایر دشمنان اسلام) و آن توطئه چین های رژیم فاسد و ابر قدرت ها در سایر جاها مخصوصا در لبنان تکلیف خودشان را بدانند روز قدس روزی است که باید به همه ابر قدرت ها هشدار بدهیم که اسلام دیگر تحت سیطره شما به واسطه عمال خبیث شما نخواهد بود (صحیفه امام جلد ۹ ص ۲۷۶ تا ۲۷۹) بنابر این اگر بخواهیم از نگاه امام خمینی به روز قدس نظر بیفکنیم باید بگوئیم که در حال حاضر روز قدس هم روز فلسطین و روز نجات قدس است وهم روز عراق، روز افغانستان، روز مصر و سوریه و روز کلیه سرزمین های اسلامی که اکنون هدف تجاوز و تهدید دشمنان اسلام قرار گرفته اند. همچنان روز آزادی همه کشورها و سرزمین اسلامی که به طور غیرمستقیم تحت سیطره آمریکا می باشند نیز می باشد. در این روز مسلمان ها علاوه بر اینکه فریاد آزادی فلسطین عراق و افغانستان را سر می دهند باید برای آزادی

سرزمین های اسلامی از چنگال عاملان و وابستگان و همدستان آمریکا در منطقه و در کل جهان اسلام نیز فریاد بزنند. البته فریاد زدن فقط مقدمه کار و آتش تهیه است و آنچه اساسی می باشد اقدام عملی است که می تواند کار ساز باشد و دست دشمنان و عوامل آن ها را از سرزمین های اسلامی قطع کند. مفهوم دیگر روز قدس از نظر امام خمینی وداع با توقف و درجا زدن مسلمانان و جوامع اسلامی و حرکت به سمت اهداف عالی و همه جانبه اسلام است. بنابر این روز قدس یعنی روز حرکت و روز پویایی مسلمانان. در این روز باید به همه مسلمانان تاکید شود و همه مسلمانان باید به خاطر داشته باشند که دوران رکود و سکونی که طی چندین قرن به یکی از مهم ترین مصایب جوامع اسلامی تبدیل شده بود به سرآمده است و مسلمانی که رکود و سکون پیشه کند نه تنها سبب می شود که همواره به خواری و ذلت بیفتد و نوکری ملل و جوامع دیگر را بکند بلکه در انجام تکالیف و وظایف مسلمانی هم کاملا مقصر است و نمی توان نام مسلمان واقعی بر او نهاد. امام خمینی می فرماید: روز قدس اعلام این مطلب است که ای مسلمین به پیش ! ای مسلمین به پیش برای پیشرفت در همه اقطار عالم (صحیفه نور جلد ۸ ص ۲۳۳) روز قدس روز بیداری مسلمین و روز احیای اسلام است در این روز باید مسلمانان به احیای اسلام به احیای حکومت اسلامی و به احیای هر آنچه رنگ و بوی اسلامی دارد بیندیشند. امام خمینی در این باره می فرماید: روز قدس روز اسلام است. روز قدس روزی است که اسلام را باید احیا کرد و باید احیا بکنیم اسلام و قوانین اسلام را در ممالک اسلامی روز قدس روز حیات اسلام است. باید مسلمین به هوش بیایند باید بفهمند قدرتی را که مسلمین دارند روز قدس فقط روز فلسطین نیست روز اسلام است روز حکومت اسلامی است روزی است که باید جمهوری اسلامی در سراسر کشورها بیرق آن برافراشته شود (صحیفه امام جلد ۹ ص ۲۷۶ تا ۲۷۹) مفهوم روز قدس از نظر امام خمینی به قدری وسیع و همه جانبه است که تقریبا تمام مسائل و مشکلات جهان اسلام و مسلمانان به ویژه آنچه پیرامون روابط جهان اسلام با سایر قدرت ها و آنچه پیرامون روابط مسلمانان با رژیم های نامشروع وجود دارد را دربر می گیرد. از نظر امام خمینی روز قدس روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است روز مقابله مسلمانان با ابرقدرت های دشمن اسلام است روز شناخت منافقان جهان اسلام از مومنان و متعهدان است. روز تشخیص دولت های خائن از دولت های خادم است روز قطع آمال شیطانی ابرقدرت ها است

روز خروج مسلمانان از انزوا است روز اعلام استقلال همه جوامع اسلامی است روز هزیمت ظالمان و روز عزت مظلومان است و روز همه چیزهایی است که به عنوان مشکل و مساله مسلمانان و جوامع اسلامی مطرح است. نگاه جامع امام خمینی در باره روز قدس را می توان در این بیانات ایشان یافت: ”روز قدس روزی است که باید مستضعفین مجهز بشوند در مقابل مستکبرین و دماغ مستکبرین را به خاک بمالند روزی است که بین منافقین و متعهدین امتیاز خواهد شد. متعهدین این روز را روز قدس می دانند و عمل می کنند به آنچه باید بکنند و منافقین آنهایی که با ابرقدرت ها در زیر پرده آشنائی دارند و با اسرائیل دوستی در این روز بی تفاوت هستند یا ملت ها را نمی گذارند که تظاهر کنند. روز قدس روزی است که باید سرنوشت ملت های مستضعف معلوم شود. باید ملت های مستضعف اعلام وجود بکنند در مقابل مستکبرین باید همانطور که ایران قیام کرد و دماغ مستکبرین را به خاک مالید و خواهد مالید تمام ملت ها قیام کنند و این جرثومه های فساد را به زباله دان ها بریزند. روز قدس روزی است که باید همت کنید و همت کنیم که قدس را نجات بدهیم و برادران لبنانی را از این فشارها نجات بدهیم روزی است که باید تمام مستضعفین را از چنگال مستکبرین بیرون بیاوریم روزی است که باید جامعه مسلمین همه اظهار وجود بکنند و هشدار بدهند به ابرقدرت هائیه روز قدس روزی است که باید به همه ابرقدرت ها هشدار داد که باید دست خود را از روی مستضعفین بردارید و سر جای خود بنشینید. اسرائیل دشمن بشریت. دشمن انسان که هر روز غائله ایجاد می کند و برادرهای ما را در جنوب لبنان به آتش می کشد باید بداند که دیگر ارباب های او رنگی ندارند در دنیا و باید انزوا اختیار کنند. روز قدس روزی است که باید به ابرقدرتها فهماند که دیگر آنها نمی توانند در ممالک اسلامی پیشروی کنند. من روز قدس را روز اسلام و روز رسول اکرم (ص) می دانم و روزی است که باید ما تمام قوای خودمان را مجهز کنیم و مسلمین از آن انزوائی که آنها را کشانده بودند خارج شوند و با تمام قدرت و قوت در مقابل اجانب بایستند و ما در مقابل اجانب با تمام قوا ایستاده ایم و نخواهیم اجازه داد کسان دیگر در مملکت ما دخالت کنند و مسلمین نباید اجازه بدهند که کسان دیگر در ممالکشان دخالت کنند. در روز قدس ملت ها باید به حکومت هائی که خائن هستند هشدار دهند روز قدس روزی است که ما خواهیم فهمید چه اشخاصی و چه رژیم هائی با توطئه گرهای بین المللی موافقت دارند و با اسلام مخالفت. آنهایی که شرکت ندارند مخالف با اسلام هستند و موافق با اسرائیل و آنهایی که شرکت کردند متعهد هستند و موافق با اسلام و مخالف با

دشمنان اسلام که در راس آنها آمریکا و اسرائیل است. روز امتیاز حق از باطل است روز جدائی حق و باطل است. (صحیفه امام جلد ۹ ص ۲۷۶ و ۲۷۹) اگر مسلمان ها به روز قدس با همان دیدگاه جامع و همه جانبه ای که امام خمینی در نظر داشت بنگرند و متعهدانه به آن عمل کنند قطعاً همه چیز با سرعت تمام به نفع جهان اسلام خواهد شد و عزت مسلمانان و حیات اسلام به فرازمندترین نقطه ممکن خواهد رسید و عمر ستمگران و مستکبران جهانی به پایان خواهد رسید.

دستاوردهای نامگذاری روز قدس

اعلام روز جهانی قدس از چند جهت دارای اهمیت است که عبارتند از:

۱. نشان دادن مخالفت همگانی جهان اسلام با موجودیت اسرائیل: ابتکار ماندگار امام خمینی در انتخاب روز قدس، ضمن نشان دادن مخالفت همگانی ملت‌های مسلمان و دنیای اسلام با موجودیت رژیم اشغالگر قدس، مایه تالیف قلوب و نوعی همگرایی در جهان اسلام شده که بدین صورت گام اول برای وحدت اسلامی و تشکیل که همان وحدت کلمه است برداشته شده و راه را برای رسیدن به امت واحده فارق از ملیت و نژاد و مذهب هموار می کند.

۲. ایجاد اهرم فشار بر علیه رژیم صهیونیستی: از جمله اهرم‌های فشاری که می توان از آن بر علیه مطامع رژیم اشغالگر قدس استفاده کرد روز قدس است که همواره باعث از بین بردن مشروعیت این رژیم در دنیا می گردد و نیز تکرار هرساله آن ضمن ایجاد گرایش در جهان اسلام به اندیشه های ناب امام باعث فراموش نشدن آرمان فلسطین در قلوب مومنین می گردد.

۳. خارج کردن مسئله فلسطین از بعد ملی و تبدیل آن به بعد جهانی و اسلامی: همانطور که در بالا ذکر شد دشمن صهیونیستی سعی داشت که این نبرد را به یک منازعه قومی و نژادی بین اعراب و اسرائیل تبدیل کند اما با اعلام مواضع امام به عنوان یک مرجع بزرگ دینی در جهان اسلام روحی تازه به بعد اسلامی فراموش شده و نیمه جان مبارزه با اسرائیل دمیده شد و باعث گردید مبارزان فلسطین به جای انتخاب گزینه های چپگرایی، ملی گرایی و ناسیونالیستی حتی گرایش به غرب و سازش تنها به گزینه مقاومت اسلامی بیندیشند که شکل گیری گروه‌های جهاد اسلامی بدست فتوحی شقاقی و نیر جنبش مقاومت اسلامی (حماس) بدست شیخ احمد یاسین و رویگردانی مردم فلسطین از جنبش فتح به عنوان نماد سازش موید این نظر است.

۴. خنثی کردن توطئه غرب و رژیم صهیونیستی: از جمله تبلیغات سویی که اسرائیل برای مشروعیت بخشیدن به شکل گیری خود انجام داد طرح مسئله سرزمینی بدون ملت برای ملتی بدون سرزمین بود که توسط «گلدمایر» وزیر خارجه اسبق این رژیم ارائه شد و لب مطلب این بود که با توجه به در اختیار داشتن رسانه های گروهی این شعار در افکار عمومی جهانی به یک باور عمده و غیر قابل خدشه تبدیل شد، مثل قضیه هولوکاست، اما این توطئه با استراتوی امام راحل مبنی بر اعلام روز قدس و تظاهرات صدها میلیونی امت اسلام و مستضعفین سرتاسر دنیا این دروغ بزرگ برملا شد و یکی از اصلی تری فلسفه های وجودی تشکیل اسرائیل به زیر سوال رفت و مشروعیت آنرا با چالش جدی روبرو کرد.

۵. تاثیر معنوی بر مسلمانان و ایجاد نوعی مشارکت عمومی: در واقع در این روز می توان سایه سنگین اندیشه های حضرت امام را بر جهان اسلام بوضوح لمس کرد چرا که علاوه بر تزکیه آنان در ماه مبارک رمضان باعث ایجاد نوعی اراده جمعی بین مسلمین برای احقاق حق و بالا بردن روحیه همدلی و ایثار بین آنان شده و نیز به مسلمین این اعتماد به نفس را داده است که قدس پس گرفتنی است و اگر همت و وحدت کلمه باهم توامان گردند این کار شدنی است.

۶. به زیر سوال بردن دولتهای مرتجع و غربگرای جهان اسلام: در واقع همانطور که امام فرمودند این روز روز امتیاز و جدایی بین حق و باطل است و ما شاهد برخی ممانعتها از سوی برخی دول منطقه برای برگزاری تظاهرات هستیم که داشتن رابطه و علقه سیاسی بین آن دولت و اسرائیل را نشان می دهد و از سویی نشانه ی حقانیت کشورهایی است که سعی در باشکوه برگزار کردن این روز دارند، چرا که این روز به نوعی رویارویی مستقیم اسلام و صهیونیسم نیز هست این پدیده را می توان با مواضع برخی دولتها و گروهها در جنگ ۳۳ روزه لبنان و اسرائیل و جنگ ۲۲ روزه و ۸ روزه غزه هم مشاهده کرد که برخی دولت ها و گروهها منجمله القاعده با اتخاذ مواضعی که نارضایتی آنها را از این جنگ نشان می داد، ماهیت صهیونیستی خود را افشا کردند و از سویی دیگر باعث حقانیت حزب الله لبنان و فلسطین و حامیان آن ها در سرتاسر دنیا از ونزوئلا در غرب تا اندونزی و مالزی در شرق گردید. همچنین از دیگر دستاوردهای آن می توان به بالا بردن تب اسلام خواهی در بین امت اسلام و نیز مطرح کردن ایران به عنوان ام القرای جهان اسلام و مهیا کردن پذیرش تز جمهوری اسلامی در جهان اسلام، اشاره کرد.

نقش روز جهانی قدس در گسترش روحیه ضدصهیونیستی

انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از مؤثرترین پدیده‌های پایانی قرن بیستم، تأثیرات و بازتاب‌های گسترده‌ای در ایران، منطقه و جهان داشته و از ابعاد و جهات گوناگون مورد توجه و مطالعه صاحب‌نظران، ناطران، سیاستمداران و نظریه‌پردازان ایرانی و غیرایرانی واقع شده است به طوری که طی سه دهه از وقوع این پدیده، هزاران کتاب و مقاله تحقیقی، تحلیلی، در توصیف، توضیح و تبیین آن به زبان‌های مختلف در محافل علمی غرب نگاشته شده که نشان از اهمیت و توجه مستمر به این پدیده شگرف و تاریخ‌ساز دارد. ابتکار ماندگار امام خمینی (ره) در انتخاب روز قدس، ضمن نشان دادن مخالفت همگانی ملت‌های مسلمان و دنیای اسلام با موجودیت رژیم اشغالگر قدس باعث ایجاد نوعی همگرایی در جهان اسلام و حتی غرب شد که به نوعی در راستای همان ایده وحدت کلمه‌ای است که حضرت امام (ره) به دنبال آن بودند؛ وحدت کلمه‌ای که نژاد و مذهب نمی‌شناسد؛ همچنانکه در گوشه و کنار دنیا شاهد برپایی راهپیمایی‌های عظیم علیه رژیم صهیونیستی هستیم که الزاماً همه مسلمان نیستند. مهم روح وحدت کلمه است که بر جوامع انسانی حاکم شده است. به هر روی، مسأله گسترش روحیه ضدصهیونیستی، از آن دسته مسائلی است که باید بیشتر از گذشته به عنوان دستاورد انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گیرد و در مورد آن تحقیق علمی صورت پذیرد. به نظر می‌رسد جا دارد تا محافل علمی و دانشگاهی در این خصوص اشتیاق و فعالیت بیشتری به خرج دهند تا بتوان گامی مؤثر در جهت پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی برداشت. روز قدس حرکتی بود در راستای استراتژی اتحاد مسلمین و روز قدس بستر خیزش امواج انسانی و احیای وسیع مسئله قدس و بیداری مسلمین بود. چون حکومت‌ها در خط امتیازدهی پی در پی به اسرائیل افتاده بودند، روز قدس عامل توقف این روند و روزی بود که ملت‌ها را نیز وارد معادله سرنوشت‌ساز قدس می‌ساخت. در پیام حضرت امام آمده است: «هن از عموم مسلمانان جهان و دولتهای اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن، به هم بپیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می‌کنم، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می‌تواند تعیین کننده سرنوشت فلسطین نیز باشد بعنوان روز قدس انتخاب و طی مراسمی همبستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مسلمانان اعلام نمایند.» از دیگر تأثیرات مهم تعیین روز قدس از سوی حضرت امام خمینی (ره) این بود که پس از دهه‌های ۵۰ تا ۷۰ که اسلام از صحنه فلسطین خارج بود، مجدداً

به مرکزیت نهضت اسلامی معاصر منتقل شد و با این پشتوانه جدید، به مقابله با پدیده اسرائیل رفت. از این به بعد جهاد، شهادت و فداکاری در راه هدف، که نمادهای شعارهای انقلاب اسلامی ایران بود، به عنوان اصول اساسی جهاد اسلامی فلسطین مطرح شد. احیای اسلام اصیل و اقبال مردم فلسطین به آن، شکل گیری گروه های مبارز فلسطین با تکیه بر آموزه های اصیل اسلامی، گسترش روز افزون انتفاضه و در پی آن ایجاد وحشت و ناامنی برای اشغالگران متجاوز، به چالش کشاندن سیاست های رژیم صهیونیستی و ... از نتایج این موضوع مهم است.

روز قدس و تغییر معادله رویارویی با رژیم صهیونیستی به نفع جهان اسلام ورود اندیشه امام خمینی (ره) در تعیین روز جهانی قدس به معادله رویارویی با رژیم صهیونیستی، تحولات جدی در آن ایجاد کرد. تا آن هنگام برتری نظامی رژیم صهیونیستی یکی از مهمترین پایه های ساختاری این رژیم بود که هر تهدیدی را به نفع خود یکسره می ساخت. امریکا و کشورهای غربی نه تنها این برتری نظامی را تضمین کرده که با کمک های نظامی سیستماتیک سالانه، توان کیفی و کمی آن را در سطح بالایی نگه داشته اند. این برتری نظامی تا آن هنگام، تنها در سطوح رسمی کاربرد کامل و جامع داشت و در جنگ های ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷، ۱۹۷۳ و ۱۹۸۲ با دولت های عربی، موفق به یکسره سازی شده و توانست همه جنگ های نظامی و کلاسیک را به نفع خود به پایان برساند. رژیم صهیونیستی با مقوله «هنری کیسینجر» وزیر خارجه سابق امریکا در اینکه «هیچ جنگی بدون مصر امکان پذیر نیست»، قرارداد کمپ دیوید را با «سادات» رئیس جمهور مصر در سال ۱۹۷۸ امضا کرد و با خارج کردن مصر به عنوان بزرگترین کشور عربی از معادله رویارویی، شرایط راهبردی را کاملاً به نفع خود یکسره و نهادینه ساخت و از آن تاریخ هیچ جنگ کلاسیک میان دولت های عربی و اسرائیل رخ نداد. البته در حمله به لبنان در سال ۱۹۸۲ دولت و ارتش منسجم پیش روی این رژیم قرار نداشت اما جنگ در قالب کلاسیک تعریف می شود.

در مقابل این تدبیر دشمن یک حرکت فراگیر مردمی در داخل فلسطین و در سرتاسر جهان اسلام بر پایه راهبرد و تفکر امام خمینی (ره) آغاز گردید که این معادله را دگرگون ساخت. حضرت امام خمینی (ره) با رهنمودهای خود درباره دفاع از ملت فلسطین با تأکید بر اتحاد در برابر دشمنان تجاوزگر و تکیه به اسلام واقعی نهضت بیدارگری را در میان ملت های مسلمان پی ریزی کردند. پیام و ارشادهای ایشان نور امید را در قلوب مردم مسلمان جهان و به ویژه ملت

مظلوم فلسطین شعله ور ساخت و صد البته پیروزی انتفاضه مردم فلسطین و صبر و مقاومت مسلمانان لبنان و مقاومت اسلامی در شکست دادن اسرائیل نقطه عطفی در آهنگ غلبه حق بر باطل و اثبات این مدعاست.

پیروزی انتفاضه بر رژیم صهیونیستی ثابت کرده که قدرت نظامی اسرائیل قادر به درهم شکستن عظمت و شوکت ملتی نیست که از سرزمین، آزادی و حقوق خود دفاع می‌کند، و نیز دستاوردهای انتفاضه فلسطین ثابت کرد که انتفاضه و رهبری آن الهام گرفته از روح اسلامی در داخل فلسطین است. همچنان که به گفته شیخ اسعد تمیمی (از رهبران جنبش فلسطین) تا زمان انقلاب اسلامی، اسلام از عرصه نبرد فلسطین غایب بود و انقلاب اسلامی ایران این حقیقت را که اسلام تنها راه حل، و جهاد تنها وسیله اصلی برای مبارزه علیه صهیونیسم است را به قیام مردم فلسطین ارزانی کرد. و مگر جز این است که اکنون اگر فلسطین سلاح مقاومت و جهاد را بر زمین بگذارد، لعن و نفرین تاریخ و آیندگان را تا ابد همراه خود خواهد داشت؟